



۳۴ روز تا می؛

امریکا برای خروج مردد است



موانع ثبت موترهای بدون اسناد چیست؟



به دنبال آغاز روند ثبت موترهای بدون اسناد در هرات، برخی اعضای شورای ولایتی این ولایت از وجود مشکلات اساسی در «رهنمود ثبت این موترها» شکایت دارند. از دید آنان، داشتن شناس‌نامه الکترونیکی برای ثبت و ممنوعیت خرید و فروش موترهای ثبت شده، دو مشکل اساسی است که روند ثبت این وسایط را با مشکل روبه‌رو می‌کند. اعضای شورای ولایتی هرات هشدار می‌دهند که پیچیده بودن روند ثبت موترهای بدون اسناد، زمینه‌ساز فساد گسترده در ثبت این وسایط خواهد شد و شرایط گنجانده شده در رهنمود ثبت موترها «غیرمنطقی» است و مانع ثبت این موترها خواهد شد. شماری از ساکنان هرات، با استقبال از آغاز روند ثبت موترهای بدون اسناد، این اقدام را به سود مالکان موترها و حکومت عنوان می‌کنند. فعالان مدنی هم باور دارند که ثبت موترهای بدون اسناد، می‌تواند سبب قانون‌مندی تردد این وسایط و نیز جلوگیری از...

۷

سکوت یعنی سقوط

دورنمای افغانستان بیش از هر زمان دیگری تیره و تاریک است. شتاب نیروهای خارجی، به ویژه ایالات متحده آمریکا برای خروج از افغانستان که برخی‌ها از آن به عنوان فرار زیرکانه یاد می‌کنند، ثبات موجود در کشور را لرزان ساخته است. تأکید طالبان بر خواست‌های همیشه‌گی‌شان هرچند با نرمش‌هایی همراه بوده است؛ ولی هنوز و هم‌چنان جامعه و جهان به آنان به دیده شک و تردید می‌نگرند و از آینده کشور در حضور آنان نگران هستند.



فیس‌بوک چلونگی‌ها آزادی بیان را سنگ‌سار می‌کنند

۴

دود حشیش و غزل حافظ؛ معنادی که برای گریز از فقر همه چیز را باخت



در هوای سرد، مجلس‌شان گرم است. چهار تن روبه‌روی هم زیر نور خورشید در کنار کناره‌های زنگ‌زده پل سوخته نشستند. یکی، دیوان حافظ شیرازی به دست دارد و با صدای بلند بیت «اگر آن ترک شیرازی...» را زمزمه می‌کند. سه تن دیگر که کنارش نشستند، در کنار گوش دادن به او، پودر را روی...

۸

سرپرست وزارت دفاع:

عملیات ارتش برای بازداشت علی‌پور و پاک‌سازی راه‌ها ادامه دارد

به گفته یاسین ضیا، براساس حکم ریاست جمهوری همه ادارات حکومتی در بهسود سر از روز یکشنبه فعال می‌شود. او هم‌چنان گفت که نیروهای ارتش ساحاتی را که در بمب‌گذاری‌ها و شلیک راکت‌ها تخریب شده است، دوباره بازسازی می‌کنند.

پرونده الله‌داد فدایی

در نشست خبری مسوولان ارشد امنیتی، عبدالصبور قانع، معین ارشد امنیتی وزارت امور داخله بار دیگر تأکید کرد که الله‌داد فدایی در حادثه ۱۰ دلو که در آن ۴۲ غیرنظامی در اثر شلیک نیروهای امنیتی کشته و زخمی شدند، بی‌گناه است. نیروهای تحت امر الله‌داد فدایی به گزارش کمیسیون حقوق بشر بر معترضان شلیک کرده بودند. الله‌داد فدایی از سوی رییس جمهور به عنوان فرمانده پولیس ولایت لغمان تعیین شده است. معین ارشد وزارت امور داخله گفت که سه نفر در پیوند به کشتار غیرنظامیان تحت تعقیب عدلی و قضایی قرار گرفته‌اند.

یاسین ضیا توضیح داد که کسانی که به سمت چرخ‌بال ارتش شلیک کرده و یا راه‌ها را بسته‌اند، هر دو گروه تروریستی اند و کار «غلط» کرده‌اند. بخش‌هایی از شاهراه کابل-بامیان که در ولسوالی جلریز ناامن است. همواره از گروگان‌گیری و کشتار کارمندان دولتی در این ساحه شکایت وجود داشته است.

نیروهای دولتی که برای عملیات بازداشت علی‌پور رفته‌اند، از مسیر جلریز به بهسود نرفته‌اند؛ بلکه مسیر طولانی را طی کرده و از طریق بامیان وارد بهسود شده‌اند. شایع شده است که نیروهای دولتی در بهسود عملیات تلاشی شبانه را در خانه‌ها راه‌اندازی کرده و نیز برخی از تأسیسات مردمی مانند هتل را تخریب کرده‌اند.

یاسین ضیا این موضوع را رد کرد و گفت که هیچ‌کس شاهد «چور و چپاول» نیروهای ارتش در جریان چند سال گذشته نبوده است. او توضیح داد که نیروهای امنیتی بسته‌های مواد غذایی را برای مردم مستحق بهسود توزیع کرده‌اند و مردم نیز از حضور نیروهای امنیتی راضی هستند.

یاسین ضیا از روشنفکران که به تعبیر او «در جاهای نرم و گرم» نشستند، خواست تا بحث عملیات علیه عبدالغنی‌علی‌پور را به «جاهای دیگر» نبرند.

او در این نشست خبری عبدالغنی‌علی‌پور را «دزد و رهن» خطاب کرد. به گفته یاسین ضیا، در حال حاضر علی‌پور ساحه را ترک کرده است، اما هرجایی که باشد توسط نیروهای امنیتی بازداشت خواهد شد.

عملیات در بهسود پس از آن آغاز شد که یک چرخ‌بال ارتش در ولسوالی بهسود سقوط کرد که در آن پنج نیروی امنیتی و چهار خلبان کشته شدند. وزارت دفاع ملی افراد وابسته به علی‌پور را مسوول سقوط این چرخ‌بال اعلام کرد. علی‌پور درباره سقوط این هواپیما اظهارات ضدونقیض داشته است.

یاسین ضیا از جانب دیگر گفت که نیروهای ارتش اهداف عملیاتی دیگر را نیز در ساحه دارند. سرپرست وزارت دفاع ملی گفت که طالبان با بستن راه‌ها مردم را آزار و اذیت کرده‌اند که عملیات برای بازگشایی راه‌ها نیز آغاز شده است.



۸صبح، کابل: سرپرست وزارت دفاع ملی اعلام کرد که عملیات در بهسود میدان‌وردک برای بازداشت علی‌پور ادامه دارد. یاسین ضیا، رییس ستاد ارتش و سرپرست وزارت دفاع ملی از جانب دیگر تأکید کرد که عملیات برای پاک‌سازی مسیر راه‌های منتهی به بهسود میدان‌وردک نیز آغاز شده است.

رییس ستاد ارتش که روز شنبه، هفتم حمل در نشست خبری مسوولان ارشد امنیتی صحبت می‌کرد، گفت که عملیاتی که علیه علی‌پور به اجرا گذاشته شده است، «بحث کلان» نیست و اعلام جنگ علیه یک ساحه و منطقه نبوده است.

#آرپانا_از_شماست



آرپانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

انتقال مریضان با خدمات ویژه
به کشور هندوستان

شنبه دو شنبه پنج شنبه

KABUL - DELHI DEP: 10:00 AM Local Time ARR: 01:00 PM Local Time
DELHI - KABUL DEP: 02:30 PM Local Time ARR: 03:30 PM Local Time

1333 | 790 07 1333 (0) 93 + | @flyariana.com | 1333



اعضای هیأت مذاکره‌کننده دولت برای از سرگیری گفتگو با طالبان به دوحه برگشتند



۸ صبح، کابل: حمدالله محب، مشاور امنیت ملی، روز شنبه، هفتم حمل اعلام کرد که شماری از اعضای هیأت مذاکره‌کننده دولت که در کابل به سر می‌بردند، برای از سرگیری مذاکره با طالبان به دوحه برگشته‌اند.

شماری از اعضای هیأت مذاکره‌کننده دولت به شمول محمد معصوم استانکزی، رییس این هیأت در کابل اقامت داشتند.

در آستانه برگزاری نشست استانبول، به گفته حمدالله محب، این هیأت گفت‌وگوها را با جانب طالبان از سر می‌گیرد.

دور دوم مذاکرات بین‌الافغانی در شانزدهم جدی سال گذشته آغاز شد، اما تاکنون هیچ نتیجه‌ای از این نشست بیرون نشده است.

حمدالله محب گفت که باید اجندای نشست استانبول روشن شود تا مشخص شود که چه نتیجه‌ای قرار است از این نشست به دست آید.

مشاور امنیت ملی هم‌چنان گفت بسیار مهم است که مشخص شود چه کسانی به نمایندگی از طالبان شرکت می‌کنند.

حمدالله محب گفت که تیمی که به نمایندگی از طالبان به مسکو رفته بودند، مخالفت صلح و بدون صلاحیت بودند.

محب افزود که این تیم صلاحیت تصمیم‌گیری ندارد و مذاکرات با این‌ها تاکنون در دوحه نتیجه نداده است.

هیأتی به رهبری ملا عبدالغنی برادر در نشست ۲۸ حوت سال گذشته در مسکو شرکت بود. نشست استانبول قرار است در ماه اپریل برگزار شود.

حمدالله محب گفت که گفت‌وگوها درباره اجندا و نتایج حاصله این نشست جریان دارد.

بسیاری باور دارند که نشست استانبول مشابه نشست «بن» است که پس از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱ برگزار شد.

یک منسوب امنیتی در کابل کشته شد

۸ صبح، کابل: یک منسوب امنیتی صبح روز شنبه، هفتم حمل از سوی تفنگ‌داران ناشناس در شهر کابل کشته شده است.

فردوس فرامرزی، سخنگوی پولیس کابل، به روزنامه ۸ صبح گفت که این رویداد ساعت ۰۷:۱۵ صبح روز شنبه در ساحه قلعه غیبی از مربوطات ناحیه هفتم شهر کابل رخ داده است.

فرامرزی از مقتول به نام «جاوید» یاد کرده است. سخنگوی پولیس کابل می‌گوید که این رویداد در دست بررسی است. تاکنون فردی مسوولیت قتل این منسوب نیروهای امنیتی را بر عهده نگرفته است.

حمله طالبان بر ولسوالی ارغستان قندهار تلفات برجای گذاشت



۸ صبح، قندهار: جنگ‌جویان گروه طالبان پیش از چاشت روز شنبه، هفتم حمل پس از دو انفجار بر مرکز ولسوالی ارغستان ولایت قندهار حمله کردند.

در حالی که درگیری بین نیروهای امنیتی و جنگ‌جویان طالبان جریان دارد، منابع از کشته‌شدن سه سرباز پولیس و زخمی شدن چهار تن خبر داده‌اند.

انفجار نخست که مقرر فرماندهی پولیس ولسوالی راغستان را هدف قرار داد، ساعت ۱۱:۰۰ پیش از چاشت روز دوشنبه صورت گرفت.

غورزنگ افردی، آمر امنیت فرماندهی پولیس قندهار می‌گوید که انفجارها ناشی از تانک‌های بمب‌گذاری شده بوده است.

آمر امنیت فرماندهی پولیس قندهار در ادامه گفته است که پس از این دو انفجار،

جنگ‌جویان طالبان با نیروهای امنیتی به درگیری پرداخته‌اند. به گفته او، نیروهای کماندو و قطعات ویژه پولیس که در مقر ولسوالی مستقر هستند، در حال نبرد با طالبان هستند و در عین حال نیروهای هوایی نیز به محل حادثه رسیده‌اند.

او تأکید کرد که یک شمار از سربازان پولیس و جنگ‌جویان گروه طالبان در این درگیری‌ها «کشته و زخمی» شده‌اند.

غورزنگ افردی اما شمار دقیق تلفات نیروهای دولتی را اعلام نکرد. یک منبع معتبر به روزنامه ۸ صبح گفته است که در این حمله سه پولیس کشته و چهار پولیس دیگر زخمی شده‌اند.

طالبان مسوولیت این حمله را بر عهده گرفته و مدعی شده است که تلفات سنگین را به نیروهای امنیتی وارد کرده‌اند.

سرپرست فرماندهی پولیس ولسوالی سنگین ولایت هلمند کشته شد

۸ صبح، قندهار: پولیس هلمند تأیید کرده است که عبدالحمید سروری، سرپرست فرماندهی پولیس ولسوالی سنگین این ولایت در درگیری با طالبان کشته شده است.

محمدزمان همدرد، سخنگوی پولیس ولایت هلمند روز شنبه، هفتم حمل به روزنامه ۸ صبح گفت که طالبان شب گذشته یک رشته حملاتی را در ولسوالی سنگین هلمند بر قطعه ۶۱۱ شاهراه اجرا کردند که در نتیجه این حملات عبدالحمید سروری کشته شده است.



به گفته همدرد، سه سرباز دیگر در این حمله زخمی شده‌اند.

گزارش شده است که بیش از ۱۰ سرباز در این حمله کشته شده‌اند.

سخنگوی پولیس هلمند این رقم از تلفات نیروهای امنیتی را در حمله طالبان در ولسوالی سنگین تأیید نکرد.

او اما گفت که در ضحمله نیروهای امنیتی، ۱۰ عضو گروه طالبان کشته شده و پنج عضو دیگر این گروه زخمی شده‌اند. ولسوالی سنگین در ۹۰ کیلومتری شمال‌شرق شهر لشکرگاه، مرکز ولایت هلمند واقع است.

نشست استانبول؛

زلمی خلیل‌زاد به ترکیه رفت

۸ صبح، کابل: وزارت خارجه امریکا اعلام کرد که زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه این کشور در امور صلح افغانستان دور تازه سفرهای منطقه‌ای خود را در پیوند به روند صلح آغاز کرده است.

سفر زلمی خلیل‌زاد به تاریخ ۲۵ مارچ به ترکیه آغاز شده است.

این سفر در حالی آغاز می‌شود که آماده‌گی‌ها برای برگزاری نشست استانبول به مدیریت سازمان ملل متحد جریان دارد. طبق اعلام وزارت خارجه امریکا، سفر خلیل‌زاد بر تلاش‌های اخیر شرکای منطقه‌ای و بین‌المللی برای تشویق دو طرف مذاکرات بین‌الافغانی برای تسریع مذاکرات صلح و پایان درگیری استوار خواهد بود.

وزارت خارجه امریکا گفته است که خلیل‌زاد دو طرف را در این سفر تشویق می‌کند که روی آتش‌بس دائمی، صلح پایدار و عادلانه توافق کنند.

دیدار با مقام‌های کشورهای دخیل و ذینفع در روند صلح افغانستان از دیگر برنامه‌های سفر خلیل‌زاد عنوان شده است.



امریکا برای خروج مردم است



عبدالحمید حسینی

نیروهای ارتش و کماندو جای آنان را بگیرند. این تاکتیک اما از سوی امریکا زمان‌بر توصیف شده است.

خروج نیروهای امریکایی افغانستان را با یک جنگ داخلی روبه‌رو می‌کند

مقام‌ها در حکومت افغانستان اما می‌گویند که در صورت خروج نیروهای امریکایی، افغانستان با یک جنگ داخلی روبه‌رو می‌شود. حمدالله محب، مشاور امنیت ملی رییس جمهور غنی، روز شنبه، هفتم حمل، در یک نشست خبری گفت: «اگر نیروهای خارجی از افغانستان بیرون شوند و ما به طرف صلح نرویم، خطر این وجود دارد که افغانستان به یک جنگ داخلی مواجه شود.» او تأکید کرد که حکومت و مردم افغانستان نمی‌خواهند به طرف یک جنگ داخلی دیگر بروند.

وی خاطرنشان کرد که نهادهای امنیتی در تلاش‌اند تا به منظور جلوگیری از بروز جنگ داخلی در افغانستان، خلاها را پر کنند. او افزود، تمام آماده‌گی‌ها برای همین است که از بروز چنین هشدارهای استخباراتی جلوگیری شود. محب فرصت کنونی را بهترین فرصت برای صلح عنوان کرد و از گروه طالبان خواست که از این فرصت استفاده کند. مشاور امنیت ملی خاطرنشان کرد که اگر طالبان منتظر خروج نیروهای خارجی‌اند تا به قدرت برسند، در اشتباه‌اند. او گفت که در حال حاضر هیچ کسی منتظر گروه طالبان نیست و این گروه را نمی‌خواهد.

محب از سویی هم تصریح کرد که گروه طالبان در صدد صلح نیست و هیأت طالبان که به دوحه سفر کرده، صلاحیت عام و تام ندارد. او گفت: «روی موضوع اصلی بحث نمی‌کنند، افغان‌کشی را دوام می‌دهند، پل‌ها و تجهیزات افغانستان را تخریب می‌کنند. ما می‌خواهیم که طالبان به مذاکرات واقعی بیایند تا به صلح برسیم.»

وزارت دفاع ملی نیز می‌گوید که برای هر سناریو آماده است. به گفته مسوولان، اگر طرفی به حکومت در امر تأمین امنیت کمک کرد که خوب، در غیر آن، دولت افغانستان بر کمی «قرض» ندارد. این در حالی است که گروه طالبان از عدم خروج نیروهای امریکایی از افغانستان هشدار داده است. طالبان گفته‌اند، در صورتی که نیروهای امریکایی براساس توافق‌نامه صلح میان این گروه و امریکا عمل نکنند، این گروه به مبارزه مسلحانه علیه نیروهای خارجی ادامه می‌دهد.

هم‌زمان با این نگرانی‌ها، امریکا نشست استانبول را تا زمان نامعینی به تأخیر انداخته است. به گفته منابع، در اوایل قرار بود نشست استانبول در بیست‌وهفتم مارچ برگزار شود، اما اختلاف‌های امریکا با برخی از کشورهای منطقه، درنگ طالبان بر طرح پیشنهادی و مخالفت ارگ با این طرح، سبب شد که امریکا در مورد ضرب‌الاجل نشست تجدید نظر کند. بدین ترتیب فیصله شده است که تا زمان کامل شدن توافق طرف‌ها، نشست استانبول برگزار نشود. این در حالی است که به گفته منابع، احتمال دارد دست‌کم سه دیدگاه متفاوت از حوزه جمهوریت در مورد طرح امریکا مطرح شود. قرار است تیم ارگ ریاست جمهوری، افراد نزدیک به حامد کرزی، رییس جمهور پیشین و شماری دیگر از سیاسیون پیشنهادهای‌شان را ارائه کنند و شورای عالی مصالحه ملی مسوولیت توحید این طرح‌ها را عهده‌دار است.

گفتنی است که رای‌زنی در مورد طرح پیشنهادی امریکا ادامه دارد. امریکا پیش‌تر برای رفع نگرانی‌ها در مورد آینده افغانستان و تسریع روند صلح، ایجاد دولت انتقالی صلح را مطرح کرده است. هر چند ارگ ریاست جمهوری با آن به گونه صریح مخالفت کرد، اما پذیرفت که حاضر به برگزاری انتخابات زودهنگام است؛ انتخاباتی که از دید نهادهای ناظر، برگزاری آن با توجه به ابعاد فنی، زمانی و اعتباری، ممکن نیست.

عجله برای خروج زودهنگام، پای نیروهای امریکایی را دوباره به افغانستان می‌کشاند. مقام‌های دولت بایدن بیش‌تر از تهدیدی که ممکن است تسخیر طالبان برای زنان افغان به دنبال داشته باشد، نگران‌اند. این مقام‌ها پیش‌بینی کرده‌اند که احتمال دارد طالبان در ابتدا از حقوق زنان پاسداری کنند، اما با حاکمیت در کشور تضمین حمایت از زنان پیچیده‌تر می‌شود. این در حالی است که به گفته سفیر ایالات متحده امریکا در سازمان ملل متحد، افغانستان اگر می‌خواهد حمایت مالی و سیاسی جامعه جهانی را داشته باشد، هر توافقی در کشور باید دست‌آوردها را حفظ کند. او گفته است که در این مورد هیچ تردیدی وجود ندارد.

از طرف دیگر در گزارش تصریح شده است که مقام‌های ارشد دولت بایدن در مورد پیش‌بینی‌ها پیرامون احیای القاعده و دولت اسلامی تردید دارند؛ زیرا آنان معتقدند که طالبان با گروه دولت اسلامی (داعش) مخالف‌اند و القاعده نیز حضور کم‌رنگی دارد. به نقل از نیویارک تایمز، کاخ سفید برخی از نشست‌ها در این مورد را برگزار کرده است و بخشی دیگر را نیز برگزار می‌کند. بدین ترتیب جو بایدن منتظر است تا نشست‌هایی را با آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه امریکا و لوید آستین، وزیر دفاع آن کشور، برگزار کند. بلینکن پیش‌تر با متحدان امریکا در چارچوب ناتو گفت‌وگو کرده بود. آستین نیز در دیداری از کابل، دیدگاه حکومت افغانستان را گرفته است.

به نقل از گزارش، دولت بایدن در تلاش است تا پیش از ماه می پیش‌رفتی در مذاکرات صلح بین‌افغانی دیده شود. گفتنی است که بخشی از هیأت دولت روز شنبه، هفتم حمل، به دوحه سفر کردند. از سوی دیگر تصریح شده است که اداره بایدن فشار می‌آورد تا نشست استانبول را برگزار کند و در کنار آن، مذاکرات با طالبان در مورد کاهش ۹۰ روزه خشونت‌ها را ادامه دهد. با این حال مقام‌های امریکایی در مورد پیش‌بینی‌ها تردید دارند؛ زیرا به باور آنان، احتمال دارد که تخمین اطلاعاتی در آینده چالش ایجاد کند. از ادامه کمک‌های بین‌المللی به عنوان یکی از این موارد یاد شده است؛ زیرا به باور آنان، امریکا در صورت ماندن، به مصرف بودجه بیش‌تر محکوم است و در صورت خروج، احتمال دارد کنگره به سرعت به کاهش حمایت مالی اقدام کند.

در همین حال برخی از دیدگاه‌های موافق خروج نیروهای امریکایی از افغانستان نیز مطرح است. آدام اسمیت، نماینده حزب دموکرات ایالت واشنگتن و رییس کمیته خدمات مسلح مجلس نمایندگان آن کشور، در یک نشست مجازی گفته است افغانستان کنونی شبیه ۱۹۹۰ نیست که القاعده در آن اردوگاه ایجاد کند. به باور اسمیت، نگرانی‌ها در مورد امریکایی سبب افزایش خطر برای امریکایی‌ها می‌شود و افزون بر هزینه‌های مالی، به تبلیغات برای جذب نیرو برای گروه‌های مخالف امریکا کمک می‌کند. با این حال گفته شده است که پولیس و نیروهای محلی قادر به نگهداری مناطق نیستند و سبب می‌شود که

از افغانستان در پیش گرفته است، اما برخی از مقام‌های پنتاگون معتقدند که نیروهای امریکایی باید مدت بیش‌تری در افغانستان بمانند. نیویارک تایمز تصریح کرده است که مقام‌های امریکایی احتمال داده‌اند در صورتی که نیروهای خارجی افغانستان را ترک نکنند و به طور «نامحدود» در این کشور باقی بمانند، نیروهای امنیتی افغان به احتمال زیاد مانع سقوط بخش‌هایی از این کشور می‌شوند و به کابل کمک خواهد کرد تا کنترل شهرهای بزرگ خود را حفظ کند.

خروج زودهنگام، پای امریکا را دوباره به افغانستان می‌کشاند

شماری از فرماندهان نظامی و مقام‌های دولت امریکا اما هشدار داده‌اند که خروج زودهنگام نیروهای امریکایی از افغانستان، حتا اگر تا پایان سال میلادی انجام شود، ماموریت امریکا را ناکام و حفظ دست‌آوردهای دو دهه اخیر را پیچیده‌تر می‌سازد. شورای امنیت ملی نیز تصریح کرده است که در صورت خروج نیروهای امریکایی، احتمال شکل‌گیری جنگ‌های داخلی وجود دارد. طالبان اما هشدار داده‌اند که در صورت ماندن نیروهای امریکایی در افغانستان پس از ماه می، این گروه مبارزه‌اش علیه نیروهای خارجی را از سر می‌گیرد. این در حالی است که در حال حاضر امریکا برای حل اختلاف‌هایش با کشورهای منطقه و نتیجه‌گیری رای‌زنی‌های دولت و طالبان، نشست استانبول را به تأخیر انداخته است.

روزنامه نیویارک تایمز روز گذشته گزارشی را با استناد به ارزیابی آژانس‌های اطلاعاتی دولت امریکا نشر کرد. این گزارش که بخشی از آن سال گذشته برای دولت دونالد ترمپ تهیه شده بود، در جمع اطلاعات طبقه‌بندی شده دولت امریکا قرار داشت و تاکنون فاش نشده بود. براساس گفته‌های نیویارک تایمز، این ارزیابی آخرین مورد از مجموعه پیش‌بینی‌های شفاف درباره آینده افغانستان است که تحلیل‌گران اطلاعاتی در طول دو دهه گذشته ارائه کرده‌اند. در این گزارش آمده است که اگر نیروهای خارجی پیش از تقسیم قدرت بین دولت و طالبان، افغانستان را ترک کنند، این کشور طی دو یا سه سال پس از خروج این نیروها، به شکل وسیع در اختیار طالبان قرار خواهد گرفت. نیویارک تایمز افزوده است، در حالی که دونالد ترمپ، رییس جمهور سابق امریکا، خواهان خروج نیروهایی امریکایی براساس توافق‌نامه صلح با طالبان بود، اما جو بایدن نسبت به این امر دیدگاه مختلفی دارد و در تازه‌ترین تصمیمش گفته است که خروج نیروهای امریکایی در اول ماه می سال جاری، به دلایل فنی، دشوار است. او تأکید کرده است که خروج نیروهای امریکایی در سال آینده قابل تصور است.

در این گزارش تصریح شده که با نزدیک شدن میعاد زمانی خروج نیروهای امریکایی از افغانستان، مقام‌های دولت جو بایدن در تلاش‌اند تا او و مقام‌های ارشد امنیت ملی وی را تحت تأثیر قرار دهند. در ضمن روزنامه نیویارک تایمز گفته است، با وجودی که لوید جی آستین، وزیر دفاع امریکا، هنوز مشخص نکرده که چه روشی را برای خروج نیروهای امریکایی

روزنامه نیویارک تایمز روز گذشته

گزارشی را با استناد به ارزیابی

آژانس‌های اطلاعاتی دولت امریکا

نشر کرد. این گزارش که بخشی

از آن سال گذشته برای دولت

دونالد ترمپ تهیه شده بود، در

جمع اطلاعات طبقه‌بندی شده دولت

امریکا قرار داشت و تاکنون فاش

نشده بود. براساس گفته‌های

نیویارک تایمز، این ارزیابی آخرین

مورد از مجموعه پیش‌بینی‌های

شفاف درباره آینده افغانستان

است که تحلیل‌گران اطلاعاتی

در طول دو دهه گذشته ارائه

کرده‌اند. در این گزارش آمده

است که اگر نیروهای خارجی پیش

از تقسیم قدرت بین دولت و طالبان،

افغانستان را ترک کنند، این کشور

طی دو یا سه سال پس از خروج این

نیروها، به شکل وسیع در اختیار

طالبان قرار خواهد گرفت.

دورنمای افغانستان بیش از هر زمان دیگری تیره و تاریک است. شتاب نیروهای خارجی، به ویژه ایالات متحده امریکا برای خروج از افغانستان که برخی‌ها از آن به عنوان فرار زیرکانه یاد می‌کنند، ثبات موجود در کشور را لرزان ساخته است.

تأکید طالبان بر خواست‌های همیشه‌گی‌شان هرچند با نرمش‌هایی همراه بوده است؛ ولی هنوز و هم‌چنان جامعه و جهان به آنان به دیده شک و تردید می‌نگرند و از آینده کشور در حضور آنان نگران هستند.

در عین حال، تشدید فعالیت‌های سایر گروه‌های افراطی که تحت شعاع گروه طالبان قرار گرفته و از دیدها به دور بوده است، بخش دیگری از چالش‌های پیدا و پنهان فردهای دور و نزدیک افغانستان را در ذهن و ضمیر شهروندان کشور شکل می‌دهد.

عدم صداقت در سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌های کشورهای همسایه و منطقه در همکاری برای موفق شدن روند گفت‌وگوها و تامین صلح پایدار در افغانستان، پیام‌آور توطیه‌های دیگری برای به آشوب کشاندن افغانستان پسا خروج جامعه جهانی است.

با این همه و مهم‌تر از همه عمل‌کرد تک‌روانه ارگ بدون در نظرداشت حساسیت‌های موجود در کشور و جامعه، به هرچه نگرانی است، دامن زده است و شعله‌های تشویش از آینده را تیزتر و مشتمل‌تر می‌سازد.

ارگ ریاست جمهوری که می‌بایست مرکز تامین امنیت و تعمیم آرامش به شهروندان باشد، با بی‌تفاوتی کامل به دیدگاه‌ها، نظرها، مشوره‌ها و انتقادها، به محور تشویش عامه بدل گشته است. (این‌که دیگر چه تصمیم عجولانه‌ای را روی دست گرفته است؟) به پرسش بی‌پاسخ هر انسان این سرزمین بدل گشته است.

اظهارات اخیر رییس جمهور محمد اشرف غنی در رد طرح پیشنهادی ایالات متحده امریکا برای مذاکره نهایی با گروه طالبان و ایجاد حکومت مشارکتی با آن گروه، هرچند جسورانه به نظر می‌رسد؛ ولی نیم جمله بعدی، دوباره تحسین را به تشویش مبدل می‌سازد. زیرا همه به خاطر دارند که در چند دور انتخابات قبلی، تیم حاکم در ارگ ریاست جمهوری، برخلاف تمام موازین انتخاباتی، به تقلب دست زد و با ترفندهای منحصر به فرد به ابقای خود در قدرت کوشید و (به قیمت از دست رفتن اعتماد مردم به انتخابات)، موفق هم شد.

سکوت یعنی سقوط

♦ محمد منصوریان

تأکید طالبان بر خواست‌های همیشه‌گی‌شان هرچند با نرمش‌هایی همراه بوده است؛ ولی هنوز و هم‌چنان جامعه و جهان به آنان به دیده شک و تردید می‌نگرند و از آینده کشور در حضور آنان نگران هستند.



حالا و با توجه به چنین پیشینه‌ای، وقتی سخن از برگزاری انتخابات زود هنگام به عنوان راه حل برای عبور از بحران به میان می‌آید؛ آن همه کارنامه نه چندان سپید در افکار عمومی رژه می‌رود و رسیدن به آرامش و ثبات از این مسیر دور و خونین به نظر می‌رسد.

در کنار این‌ها، سکوت احزاب سیاسی و درگیری‌های بین‌گروهی میان بعضی از این احزاب، نشان می‌دهد که بر خلاف همه کشورهای جهان و علی‌رغم نیم‌قرن مبارزه برای آزادی، اقتدار و عدالت، هنوز هم احزاب سیاسی و فعالان سیاسی به پخته‌گی نرسیده و در خط مخالف مصالح عمومی در حرکت و با هم درگیر اند. نهادهای جامعه مدنی که در دیگر کشورها حیثیت چراغ به دستار را دارند، این‌جا در افغانستان و در این مقطع حساس و حیاتی، سر به بالین بی‌تفاوتی فرو برده‌اند و انگار هیچ مشکلی در کشور نیست و آنان هم نیازی به تحرک و فعالیت ندارند.

اینان که در چنین مواردی باید در خطوط مقدم جبهه فکر، مشوره، هماهنگی، برنامه‌ریزی و عمل‌گرایی قرار

فیس‌بوک چلونکی‌ها آزادی بیان را سنگ‌سار می‌کنند

فیس‌بوک چلونکی‌ها خلاف قانون نیست؟ آیا در مخالف با آزادی بیان نیست؟ حق آزادی بیان از جمله حقوق اساسی بشر به شمار می‌رود که تهداب سایر حقوق مدنی و سیاسی شهروندان را می‌گذارد. مطابق ماده سی‌وچهارم قانون اساسی کشور «آزادی بیان از تعرض مصون است. هر افغان حق دارد فکر خود را



این روزها صداهای مخالف پیش‌تر از هر زمان دیگر، از هر جا صدای مخالفی سر بالا می‌کنند، تعداد زیادی برای هجمه، تهمت و برچسب زدن در حالت آماده‌باش قرار دارند. بمبارد علیه مخالفان طوری سازمان‌دهی می‌شود تا واقعیت‌ها طور دیگری جلوه نمایند. فرمول آن هم بسیار ساده است: چندین حساب کاربری جعلی در دنیای مجازی ساخته می‌شود و به جای نقد محتوایی مباحث منتقدان، با هجوم بر شخصیت منتقدان، آن‌ها را متهم به وطن‌فروشی، خیانت ملی، جاسوسی، تعصب و... می‌کنند و نتیجه آن این است که در لابلای غوغاها و پروپاگانداها، اصل موضوع گم و زمینه قضاوت‌های نادرست می‌شود و خودسانسوری منتقدان می‌شود و آزادی بیان را با چالش مواجه می‌سازد.

داشته باشند، با وجود تجربه‌های بیست ساله در حضور جامعه جهانی، منفعل‌تر از هر قشر و طبقات دیگر جامعه به نظر می‌رسند.

با این حساب و با این عوامل، به این نتیجه می‌رسیم که تا زمانی که دگرگونی و تغییر مثبت در راهکار، گفتار و کردار حلقات و گروه‌های تاثیرگذار بر کشور به میان نیاید، هیچ تغییری در سطح خشونت‌های گروه‌های افراطی و مداخلات کشورهای حامی آنان رونما نخواهد شد.

برخلاف سلیقه‌های تک‌روانه، باور نویسنده بر این است که هیچ انسان و هیچ گروهی به صورت مطلق بد و غیر قابل برگشت نیست. هرکسی می‌تواند با درک و ارزیابی دقیق اوضاع و با در نظرداشت منصفانه منافع فردی و جمعی مردم و کشور خویش، تصمیم به بازگشت به مسیر درست بگیرد و افزون بر جبران اشتباهات گذشته، راه را به اصلاحات، نوسازی و بازسازی کشور باز و آرامش به معنای واقعی کلمه را در اذهان و زنده‌گی مردم جاگزین کند.

با این حساب اگر بنا باشد، سنگ‌بنای آینده به گونه دیگری گذاشته شود، ایجاب می‌کند تا موارد ذیل در نظر گرفته شود:

۱. ارگ ریاست جمهوری به عنوان یکی از اصلی‌ترین نهادهای تصمیم‌گیرنده در کشور، برنامه‌هایی را روی دست گیرد که با اجرای آن، اعتماد مردم به نظام جلب شود و آنان آماده حمایت از آن در هر شرایطی شوند. با توجه به شناختی که از بافت‌های سیاسی – اجتماعی مردم کشور وجود دارد، چنین توانایی و استعدادی در مدیران و کارآفرینان وجود دارد که با تغییر نگرش و دیدگاه در قبال مردم و کشور، می‌توانند راه صدساله را یک‌شبه طی کنند. کافی است که تصمیم درست، عزم قاطع و اراده راسخ به چنین تغییری به میان آید و عملی شود.

۲. ایالات متحده امریکا به عنوان بزرگ‌ترین کشوری که در بیست سال گذشته، بیش‌ترین هزینه را در



عبدالمنیر عظیمی

به وسیله گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید.» هم‌چنان، قانون رسانه‌های همه‌گانی افغانستان با در نظرداشت قانون اساسی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حق آزادی بیان را چنین تعریف کرده است: «(۱) هر شخص حق آزادی فکر و بیان را دارد. طلب، حصول و انتقال معلومات، اطلاعات و نظریات در حدود احکام قانون بدون مداخله، ایجاد محدودیت و تهدید از طرف مسوولان دولتی شامل این حق است. این حق در بر گیرنده فعالیت آزاد وسایل پخش، توزیع و دریافت معلومات نیز می‌باشد.»

بنابراین، با در نظرداشت قوانین متذکره، از یک طرف فیس‌بوک چلونکی‌ها با تهمت و افترا آزادی بیان شهروندان را تهدید می‌نمایند و از طرف دیگر خود آن‌ها با استفاده سوء از آزادی بیان، خلاف واقع عمل می‌کنند و اگر چلوی آن‌ها گرفته نشود، فضای افکار عمومی را کاملاً به دست می‌گیرند و از مسیر واقعی آن منحرف می‌سازند. تصور کنید شما براساس دغدغه‌های شخصی و به عنوان یک شهروند مسوول یک نظر انتقادی برای ایجاد اصلاحات اظهار می‌کنید و صدها نفر از فیس‌بوک چلونکی‌های کرایه‌ای حتا بدون خواندن مطالب، شما را متهم به این و آن بکنند و روی شما برچسب‌های مختلف بگذارند و به جای مباحثات محتوایی، شخصیت شما را هدف قرار دهند. آن هم صرف به خاطر این‌که شما عمل‌کرد بت‌های این فیس‌بوک چلونکی‌ها را به چالش کشیده‌اید.

این بت‌های مقدس‌مآب کی‌ها هستند که ستایش آن‌ها باید تحمیلی باشد؟ و هر شخصی که انتقادی به عمل‌کرد آن‌ها داشت، باید روزگارش سیاه شود. بت‌سازی از یک مشت اربابان زر و زور، جامعه را به کجا می‌برد؟ اگر انتقادی نباشد و همه مجبور به ستایش صاحبان قدرت باشند، آیا اصلا اصلاحاتی ایجاد می‌شود

افغانستان کرده است، به جای شتاب برای فرار، با آرامش حرکت کند و اجازه ندهد که تجربه تلخ عراق در افغانستان تکرار شود. این کشور با توجه به ادعاهایی مبنی بر رهبری جهان و مدیریت موفق در مناطقی که حضور داشته است، می‌تواند کشورهای همسایه افغانستان را وادار به عدم مداخله در امور داخلی افغانستان و پایان دادن به حمایت از گروه‌های افراطی کند و در عین حال، این گروه‌ها را مجبور به تمکین در برابر خواست جامعه جهانی نماید.

۳. گروه‌های افراطی که استفاده از خشونت را یگانه راه برای رسیدن به قدرت می‌دانند و بر همین اساس، ده‌ها و حتا صدها هزار تن در سالیان گذشته قربانی شده‌اند، با تأمل دقیق و حساب شده، بیایند و راه‌های نرم را برای مبارزات خویش انتخاب و باری برای رسیدن به خواست‌های خویش از مسیرهای سبز، صلح‌آمیز و مدنی نیز استفاده کنند.

۴. احزاب سیاسی و فعالان سیاسی که از مدت‌ها به این سو القاب و عناوین پر زرق و برقی را به عنوان رهبران جامعه یدک می‌کشند، برای یکبار هم که شده بیرون از منافع شخصی خویش و حلقات مربوطه‌شان، پا بگذارند و به حال ملتی در حال احتضار بیندیشند. مردمی که در بدترین شرایط در کنار اینان قرار گرفته‌اند، شایسته تنها ماندن و به حال خود رها شدن نیستند.

۵. نهادهای جامعه مدنی که در دو دهه پسین، از آدرس همین ملت و مردم، به نام، نان و نوایی رسیدند و سفره‌های خالی‌شان رنگین شد، اکنون به سکوت خویش خاتمه دهند و با استفاده از داشته‌های معنوی، علمی و ارتباطاتی که دارند، به طرح برنامه‌هایی بپردازند که با اجرای آن، حقوق مردم در تمام ابعاد محفوظ بماند و راه برای تعیین سرنوشت‌شان توسط خودشان هموار باشد. زیرا سکوت این چینی، فرصت را برای استبدادگرانی فراهم خواهد ساخت که در موجودیت آنان هیچ‌کسی در هیچ جایی احساس امنیت نخواهد کرد.

سخن را با این پیام به پایان می‌رسانم که رسانه‌های همه‌گانی که بیش‌ترین قربانی خشونت‌ها از آدرس‌های مختلف بوده‌اند، صدای رسای مردم افغانستان هستند و رسالت بزرگی را بر عهده دارند که باید موفقانه به انجام برسانند.

و جامعه سیر تکاملی خود را می‌تواند طی کند؟ اگر تحملی برای صداهای مخالف وجود نداشته باشد، پس فرق آن با دیکتاتوری در چیست؟ این همه حملات شخصی چه معنایی دارد؟ چرا جرأت نوشتن باید از صاحبان فکر گرفته شود؟ اگر صاحبان فکر، جرأت انتشار افکار خود را نداشته باشند، آیا ابتکار و خلاقیتی ایجاد می‌شود؟

افغانستان کشوری با تنوع فرهنگی بسیار عالی است. این تنوع، زمینه‌ساز خلق دیدگاه‌های متفاوت است. همین تفاوت‌ها است که زیبایی‌ها را خلق می‌کند، تحرک را ایجاد می‌کند و به جامعه نشاط می‌آورد. جامعه بدون منتقد، جامعه خسته‌کننده و افسرده است که فقط خود را تکرار می‌کند و اجازه مطرح شدن افکار نو را نمی‌دهد. چنین وضعیتی این توهم را ایجاد می‌کند که گویا همه‌چیز جور شده است و صرفاً باید مرثیه‌سرایی برای دل‌خوشی مسوولان کرد.

بنابراین، نباید فضای عامه را برای فیس‌بوک چلونکی‌ها خالی کرد؛ بلکه باید همه با هم دست به دست بدهیم و با این پدیده شوم مبارزه کنیم، تا این ابتدال ویرانگر ریشه‌کن شود. باید فرهنگ نقادی و نقدپذیری نهادینه شود و به جای پرورش فیس‌بوک چلونکی‌ها، به منتقدان احترام گذاشته شود و زمینه مباحثات سازنده فراهم گردد تا گامی به جلو برداشته شود. هیچ شخصی نمی‌تواند صاحب امتیاز انحصاری ارزش‌های ملی قلمداد شود که اگر به عمل‌کرد آن‌ها انتقاد شد، گویا ارزش‌های ملی به خطر افتاده است. ارزش‌های ملی داشته‌های یک ملت است که همه روی آن توافق دارند؛ ولی اشخاص موقت‌اند که یکی می‌رود و دیگری می‌آید. نباید از هر مسوولی، شخصیت قدسی ساخته شود و ارزش‌های ملی به آن گره بخورد. چاپلوسی‌های فیس‌بوکی، زد و خوردهای فیس‌بوکی و رقابت‌های فیس‌بوکی تا حدی امری بدیهی است که شاید جلوی آن را هم نتوان نگرفت؛ اما سازمان‌دهی هدفمندانه آن‌ها به منظور جلب حمایت از اشخاص مشخص و تخریب منتقدان آن‌ها به صورت افراطی و نفرت‌انگیز، آزادی بیان را با چالش مواجه کرده است که باید جلوی آن به صورت اصولی گرفته شود و برای آن راهکار عملی سنجیده شود.



+93) 700 175 510 / +93) 788 788 799

جهت سفارش آگهی‌تان با شماره‌های روبه‌رو در تماس شوید:

روزنامه ۸ صبح برای توسعه کسب و کارتان صفحه‌ی ویژه تبلیغات ایجاد کرد. روزنامه ۸ صبح به هدف کمک و حمایت از توسعه مشاغل و تجارت، تبلیغات شما را با هزینه کم‌تر و کیفیت بهتر نشر می‌کند. این روزنامه یک صفحه‌ی ویژه تبلیغاتی را به همین منظور راه‌اندازی کرده است. در این صفحه‌ی ویژه به تناسب استطاعت شما فضا وجود دارد. ما با داشتن تیراژ بلند در نسخه‌ی چاپی و مخاطبان حداکثری در پایگاه‌های مجازی‌مان آماده همکاری با مشاغل و کسب‌وکارهای مختلف هستیم تا تبلیغات شما را با مخاطبان خود به اشتراک بگذاریم.

بهزاد فرنیچر



Email: behzad.dost@gmail.com 0781 700 000

بهزاد فرنیچر کیفیت بهتر

آدرس: چهارراهی بره‌کی، کابل، افغانستان



شرکت خدمات IT برتر تیک

لیست بهترین خدمات ما

- طراحی وبسایت
- وب هاستینگ و ثبت دامین
- طراحی و توسعه دیتابیس
- ساخت برنامه‌های موبایل
- طراحی و پیاده سازی نتورک
- نصب کامره‌های امنیتی
- بازاریابی از طریق شبکه‌های اجتماعی
- گرافیک دیجیتال (لوگو، بروشور، ویزیت کارت...)
- سنو (بالا بردن رتبه سایت در صفحه اول گوگل)



+93777690909

info@bartartech.com

+93787935900

www.bartartech.com

کوته سنگی، کولابی دواخانه، کابل افغانستان

آشپزخانه مادر



تهیه غذاهای با کیفیت با نازل ترین قیمت برای محافل رسمی و شخصی

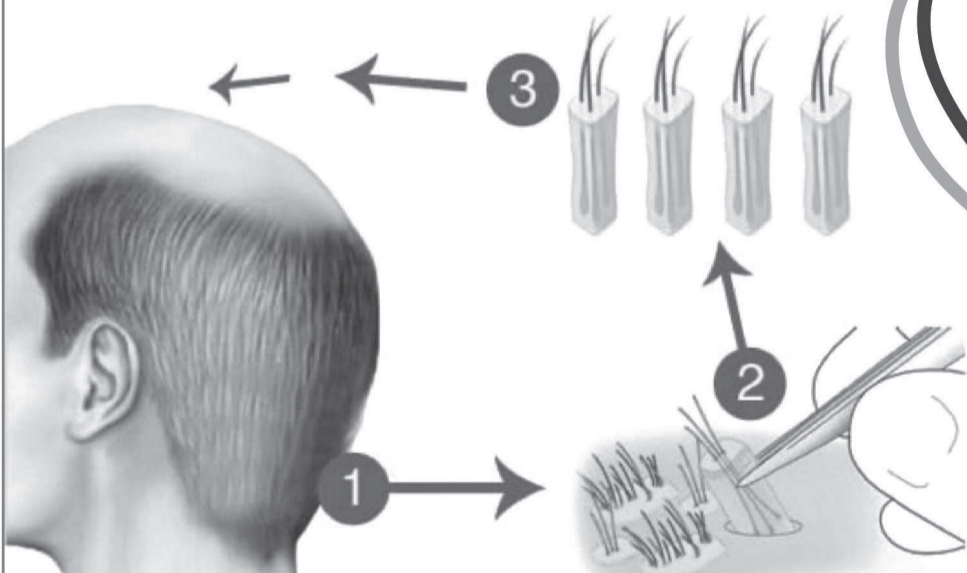
آشپزخانه مادر یکی از مدرن ترین و پیشرفته ترین آشپزخانه‌های پایتخت است که افتخار دارد برای اولین بار در افغانستان با ویژگی‌های منحصر به خودش به فعالیت آغاز نموده است. آشپزخانه مادر افتخار دارد که بهترین و باکیفیت‌ترین غذاهای داخلی و خارجی را با مجرب ترین آشپزها برای محافل رسمی و شخصی، مهمانی‌ها و دعوت‌ها، ورکشاپ‌ها و سمینارها با انتقال رایگان به اسرع وقت با نازل ترین قیمت در خدمت مشتریان عزیز قرار دارد. ما در تلاش هستیم تا با ارائه خدمات صادقانه و متفاوت از دیگران اعتبار و رضایت مشتریان محترم‌مان را کسب کنیم و باورمندیم که گنجی با ارزش‌تر از رضایت و خدمت صادقانه برای همشهریان ما وجود ندارد.

شماره‌های تماس: ۰۷۷۰۶۷۶۴۶۵ - ۰۷۰۷۱۳۱۳۲۶

آدرس: سرک اول کارته چهار، کوچه لیسه عالی رابعه بلخی



شفاخانه آینه صحت



تخفیف ویژه ۲۸۰۰۰ افغانی

کاشت مو طبیعی به روش FUE

کاشت مو یکی از تداوی‌های عمده و اساسی برای طاسی سر است. در این تداوی موها از ساحات عقب سر یعنی قسمت‌هایی که موها قوی‌تر هستند و مساعد به ریزش نیستند گرفته شده و به قسمت جلو سر یعنی جاهای خالی انتقال داده می‌شود. قبلاً هموطنان ما برای اجرای این عملیه مجبور به سفر به خارج از کشور بودند اما فعلاً این عملیه در داخل کشور با مصارف کمتر قابل اجرا است. تیم مرکز جلدی و زیبایی شفاخانه آینه صحت با سرپرستی داکتر پامیرحسین صالحی، داکتر میوند حبیب و داکتر وحیدالله عاشر، با در نظر داشت شرایط اقتصادی هموطنان ما کاشت مو را با کیفیت عالی و تخفیف ویژه انجام می‌دهد.

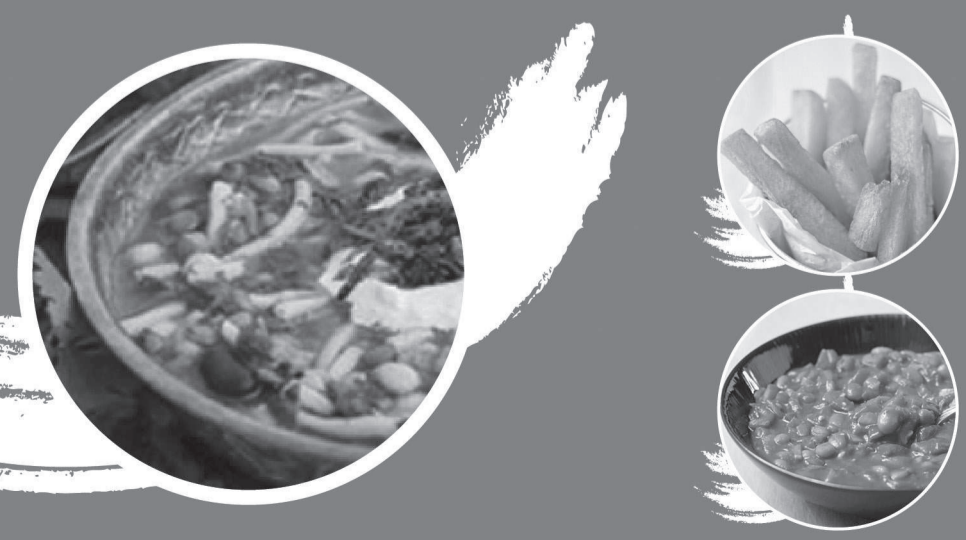
آدرس: بین چهارراهی پروان دوم و گل سرخ، شفاخانه آینه صحت

شماره تماس: ۰۷۸۱۲۳۵۰۴۰

آش دلپذیر

یک بار امتحان کنید بار بار نوش جان

آدرس: جاده بابہ مزاری، مهتاب قلعه، روبروی شفاخانه محمدعلی جناح، جوار دانشگاه رابعه بلخی شماره تماس: ۰۷۷۵۲۰۷۳۶۸



زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه ایالات متحده امریکا در دهم حوت ۱۳۹۹ به کابل آمد. آقای خلیل‌زاد در این سفر با رهبران حکومتی و شماری از سیاسيون افغانستان ملاقات کرد. نزدیک به یک هفته پس از ورود او به کابل، سندی که گویا آقای خلیل‌زاد حامل آن بوده است، به رسانه‌ها درز کرد. این سند، طرحی برای ایجاد یک (دولت انتقالی) بوده است. در این طرح، پیشنهاد شده است که پس از نشست‌ی در استانبول ترکیه با حضور رهبران سیاسی افغانستان و طالبان، حکومت موقت تشکیل شود و این حکومت، مسیر عبور به یک حکومت دایمی و انتخاباتی را آماده کند. همین‌طور، در این طرح به جزئیات دیگری از دولت انتقالی، هم‌چون صلاحیت‌های رییس دولت انتقالی، چگونگی ساختار این دولت و چگونگی تعیینات آن پرداخته شده است.

این طرح با واکنش رهبران حکومت مواجه شد؛ آقای غنی آن را یک کاغذ دانست و گفت که هرکس می‌تواند طرحی را برای افغانستان روی کاغذ بیاورد. امرالله صالح، معاون نخست ریاست جمهوری هم با ادبیات تند این طرح را ناپذیرفتنی دانست و گفت که سینه چاک چاک از مرمی پاکستانی و طالب را بر امضای این طرح ترجیح می‌دهد.

در شام‌گاه سوم حمل، رویترز به نقل از دو مقام حکومت افغانستان اعلام کرد که اشرف غنی، طرح بدیل برای طرح دولت انتقالی دارد. در طرح بدیل آقای غنی که از آن در نشست استانبول رونمایی خواهد شد، رییس جمهور غنی بحث برگزاری انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری را پیشنهاد خواهد کرد و براساس این طرح، در صورت توافق طالبان بر روی آتش‌بس، انتخابات زودهنگام تا شش ماه آینده برگزار خواهد شد.

به نظر می‌رسد که این طرح هم دارای نقاط ضعف متعدد و هم از جهاتی دارای نقاط قوت است. در ادامه تلاش می‌شود تا نقاط قوت و ضعف این طرح به صورت جداگانه به بررسی گرفته شود.

اولین مشکلی که در این طرح دیده می‌شود، نداشتن صلاحیت رییس جمهوری در مورد برگزاری انتخابات زودهنگام است. براساس این طرح، رییس جمهور موافقت کرده است که با آتش‌بس طالبان، در شش ماه آیند انتخابات را برگزار کند. براساس ماده شصت‌وهفتم قانون اساسی افغانستان، تنها در چند صورت ممکن است که انتخابات زودهنگام اعلام شود، آن هم زمانی است که رییس جمهور عزل شود، یا استعفا دهد و یا هم به دلیل بیماری صعب‌العلاج که مانع انجام وظیفه او شود، از مقام خود برکنار گردد. در این سه صورت، معاون نخست ریاست جمهوری برای مدت سه ماه

انتخابات زودهنگام یا دولت انتقالی؛

کدام طرح برای حل منازعه بهتر است؟

قدرت را به دست می‌گیرد. همین‌طور معاون نخست مکلف است که در این مدت برای انتخابات زودهنگام زمینه‌سازی کند. در قانون اساسی افغانستان مورد دیگری برای انتخابات زودهنگام پیش‌بینی نشده است. به همین جهت، می‌توان گفت که طرح اشرف غنی، از دیدگاه قانونی با مشکل مواجه می‌شود. همین‌طور بنابر آن‌چه از طرح آقای غنی فهمیده می‌شود، در مدت شش ماه قدرت هم‌چنان در دست اشرف غنی خواهد ماند و دولت زمینه‌سازی انتخابات زودهنگام را انجام می‌دهد که این مسأله هم خلاف قانون اساسی است. اگر انتخابات زودهنگام مطرح شود، رییس جمهور باید استعفا دهد و تا زمان برگزاری انتخابات، معاون نخست عهده‌دار امور اجرایی حکومت است و صلاحیت‌های رییس جمهور (به جز چند مورد) به معاون نخست منتقل می‌شود. لذا این طرح تنها در صورتی قانونی خواهد بود که رییس جمهور استعفا دهد و دیگر در قدرت دخیل نباشد، همین‌طور انتخابات هم پس از سه ماه برگزار شود، نه شش ماه.

مشکل دوم، مسائل فنی انتخابات است. به باور فیفا (موسسه انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان)، حکومت افغانستان توانایی برگزاری انتخابات را ندارد. این نهاد به روزنامه ۸صبح گفته است که افزون بر ترتیب فهرست رای‌دهنده‌گان، اصلاح سیستم بایومتریک و اعمال اصلاحات فنی –قانونی، حکومت باید زمینه ثبت نام شمار زیادی از شهروندان را نیز فراهم کند که به باور این نهاد، حکومت افغانستان توانایی انجام این کار را ندارد.

مشکل سوم این است که انتخابات زودهنگام مشکل توزیع قدرت را نمی‌تواند، حل کند. بنابر آن‌چه از کلیات طرح برداشت می‌شود، در خلال این شش ماه، تغییری در قانون اساسی افغانستان و نظام سیاسی نمی‌آید، تنها زمان برگزاری انتخابات پیش می‌افتد. اما مسأله اصلی این است که نظام سیاسی افغانستان نمی‌تواند مشکل توزیع قدرت را حل کند. چنان‌چه تاکنون هم حل نکرده است. نظام سیاسی افغانستان، نظام ریاستی و متمرکز است. در این نظام، تمام قدرت در دست رییس جمهور متمرکز می‌شود. انتخابات برای این نظام هم قانون برد – باخت است. یعنی برنده همه‌چیز را می‌برد و دیگران همه‌چیز را می‌بازند. چنین نظام سیاسی‌ای نمی‌تواند توزیع قدرت را موفقانه انجام دهد. در این نظام، تنها یک نفر برنده می‌شود و دیگران برای مدت طولانی از قدرت اجرایی به دور می‌مانند. بحث در مورد نظام سیاسی مطلوب برای افغانستان، بحثی جدا است؛ اما همین‌قدر می‌توان گفت که در جوامع چندپارچهای چون افغانستان و همین‌طور در

جوامعی که بحران توزیع قدرت وجود دارد، تنها راه حل، نظام‌های پارلمانی است که در آن قانون برد – برد وجود داشته باشد و هرکس به اندازه رای که می‌برد، سهمی در کابینه و قدرت داشته باشد. نه این‌که بازنده هیچ سهمی نداشته باشد، حتا اگر ۴۹ درصد آرا را به دست آورده باشد. به همین جهت، انتخابات به تنهایی مشکل را حل نمی‌کند، مسأله در ساختار توزیع قدرت است، نه زمان برگزاری انتخابات.

مشکل چهارم این است که این طرح از سوی طالبان پذیرفته نخواهد شد. طالبان هم از دیدگاه ایدئولوژیک با انتخابات مشکل دارند و هم می‌دانند که در یک انتخابات شفاف، توانایی برنده شدن را ندارند. این طرح در مرحله اول از سوی جناح مقابل رد خواهد شد. گرچند لازم نیست که هر طرحی باب میل تمام طرف‌های درگیر باشد و اصولاً ارایه چنین طرحی ناممکن است. باید طرحی را روی میز گذاشت که جناح مقابل، اگر نه به صورت کامل، اما به صورت تعدیل شده با طرح موافقت کند؛ اما طالبان به هیچ‌وجه با برگزاری انتخابات در این طرح موافقت نخواهند کرد.

نه تنها مشکل طالبان با گزینه انتخابات در این طرح است، بلکه گزینه آتش‌بس هم مورد قبول آنان قرار نخواهد گرفت. طالبان تنها زمانی به آتش‌بس حاضر می‌شوند که به تمام خواسته‌های‌شان رسیده باشند. طالبان هویت جنگی و نظامی دارند. آنان با نیروی جنگی تعریف می‌شوند و همین نیرو مهم‌ترین ابزارشان در میز مذاکره است. آتش‌بس، این ابزار مهم را از طالبان می‌گیرد، اگر طالبان آتش‌بس و نیروهای خود را از میدان جنگ بیرون کنند، دیگر نمی‌توانند دوباره آنان را به میدان جنگ بفرستند. طالبان این سناریو را تصور می‌کنند که پس از آتش‌بس به توافق نرسند و دوباره به میدان جنگ برگردند؛ به همین جهت گزینه آتش‌بس را به زیان خودشان می‌دانند. پیش از این هم، از یک سال به این سو همواره خواست آتش‌بس مطرح شده است؛ اما طالبان از قبول آن خودداری کرده‌اند.

اما این طرح نقاط قوت هم دارد. به ویژه که این طرح در مقایسه با طرحی که دولت انتقالی را پیش‌نهاد می‌کند، به مراتب از نقاط قوت بیش‌تری برخوردار است. مهم‌ترین نقطه قوت آن – که می‌توان آن را به عنوان گزینه بدیل فرض کرد، این است که از فروپاشی ساختار و نظام جلوگیری می‌کند. در طرح انتخابات زودهنگام، قاعده بازی به هم نمی‌خورد؛ همان قاعده بازی‌ای که پس از ۱۳۸۳ اجرا شد را ادامه می‌دهد. این طرح با خطر فروپاشی نظام سیاسی مواجه نیست. اما طرح دولت انتقالی، احتمال دارد که ناکام بماند و ناکامی آن، به مثابه فروپاشی ساختار است. طرح

◆ محمد هادی ابراهیمی، روزنامه‌نگار

دولت انتقالی ابتدا مشروعیت دولت کنونی را لغو و دولت موقت را مسیری برای گذار از وضعیت کنونی به وضعیت پسا دولت انتقالی پیشنهاد می‌کند. ریسک و خطر این طرح زمانی است که دولت موقت نتواند به نتیجه مطلوب خود برسد (که غالباً هم چنین می‌شود)، در این صورت است که با فروپاشی نظام مواجه می‌شویم.

نقطه قوت دیگر این طرح کم بودن ابهامات آن نسبت به طرح دولت انتقالی است. در طرح دولت انتقالی ابهامات زیادی وجود دارد، از جمله تعیین نشدن زمان برای دولت انتقالی. واضح است که هر طرح و برنامه سیاسی باید تقویم زمانی خودش را داشته باشد. اما طرح دولت انتقالی این تقویم زمانی را ندارد و مشخص نیست که دولت انتقالی تا چه زمانی قرار است بر سر قدرت باشد. برخلاف طرح انتخابات زودهنگام که موعد مشخص را برای انتخابات تعیین کرده است. زمان‌بندی این طرح از ابهامات این طرح نسبت به طرح دولت انتقالی می‌کاهد و خود یک نقطه قوت برای آن است. نقطه قوت دیگر این طرح در مقایسه با طرح دولت انتقالی، این است که طرح انتخابات زودهنگام به دستگاه بروکراسی کشور ضربه وارد نمی‌کند. برخلاف طرح آقای غنی، طرح دولت انتقالی دستگاه اداری کشور را فلج می‌کند. در طرح دولت انتقالی، تعیینات براساس توافق جناح‌های طالبان و جمهوریت صورت می‌گیرد. با مرور ساده به تاریخ جنگ‌های داخلی و پس از آن کشمکش‌های کنفرانس بن و همین‌طور دو انتخابات پسین، به خوبی می‌توان پیش‌بینی کرد که دولت انتقالی، آمیزه‌ای از کشمکش و جنجال دایمی بر سر تعیینات و جناح‌گرایی خواهد شد. در دولت انتقالی، تعیینات نه براساس شایسته‌سالاری و توانایی، بلکه براساس جناح و امتیازات یک جناح صورت می‌گیرد. چه بسا که فرد وابسته به یک جناح، به محض این‌که بر قدرت بنشیند، تمام اداره زیر دست خود را تصفیه کند و یا با از گان‌های دیگری که وابسته به جناح‌های مخالف‌اند، همکاری و همراهی نکند. در این صورت است که دستگاه اداری دولت با مشکل مواجه می‌شود؛ مشکلی که تا حدودی در دولت وحدت ملی و دولت کنونی هم دیده می‌شود. اما واضح است که این مشکل در دولت انتقالی به اوج خود می‌رسد. اما طرح انتخابات زودهنگام، از این مشکل فارغ است؛ چون در این مدت، هم‌چنان تعیینات از سوی رییس دولت انجام می‌شود.

با توجه به مقایسه این دو طرح و با توجه به شرایط استثنایی کنونی، می‌توان گفت که طرح رییس جمهور غنی با تمام مشکلاتی که دارد، نسبت به طرح دولت انتقالی بهتر و از نقاط قوت بیش‌تری برخوردار است. مهم‌ترین نقطه قوت آن هم این است که نسبت به طرح دولت انتقالی، ریسک کم‌تری دارد.

تاثیر بندهای آبی بر توسعه افغانستان

◆ مجتبی ابراهیمی، تحلیل‌گر اقتصادی

همان‌طوری که مردم عزیز ما در جریان قرار دارند، افغانستان در سال‌های اخیر شاهد افتتاح چندین بند آبی بوده است. خوشبختانه اخبار افتتاح این بندها در میان اخبار ناخوشایند بسیاری که روزانه به گوش می‌رسد، بسیار امیدوارکننده است. بندهای آبی برای افغانستان از جهت‌های مختلف حایز اهمیت است. آشکارترین بُعد آن، اقتصاد است. از آن‌جا که اقتصاد شریان حیاتی کشور است، بنابراین، بهبود وضعیت اقتصادی می‌تواند به بهبود وضعیت فرهنگی، امنیتی، سیاسی و در نتیجه به توسعه بینجامد.

همان‌طوری که می‌دانید، تولید برق یکی از استفاده‌هایی است که از بندهای آب می‌شود. برق یکی از نیازهای اساسی مردم افغانستان است که متأسفانه مدت زیادی است از نبود یا کمبود آن رنج می‌برند. متأسفانه از شروع حکومت موقت آقای کرزی تاکنون، حکومت‌های افغانستان نتوانسته‌اند، این مشکل را حل و کشور را به لحاظ تامین برق مستقل کنند. برق افغانستان از کشورهای هم‌جوار تامین می‌شود که به دلیل طولانی بودن مسیر و اتفاقات طبیعی و هم‌چنین ناامنی‌ها ضمن این‌که قیمت تمام‌شد آن بسیار زیاد می‌شود، پرچوی پی در پی را نیز دارد. افزایش قیمت و پرچوی پی در پی برق، ضمن این‌که رفاه خانواده‌ها را کم می‌کند، به صنعت افغانستان نیز صدمه می‌زند. بنابراین، بندهای آبی می‌توانند افغانستان را به لحاظ تامین برق مستقل و از این جهت مشکل کشور را حل کنند.

از طرف دیگر، طوری که واضح است، بندهای آبی می‌توانند آب مورد نیاز زمین‌های زراعتی را تامین

همان‌طوری که مردم عزیز ما در جریان قرار دارند، افغانستان در سال‌های اخیر شاهد افتتاح چندین بند آبی بوده است. خوشبختانه اخبار افتتاح این بندها در میان اخبار ناخوشایند بسیاری که روزانه به گوش می‌رسد، بسیار امیدوارکننده است. بندهای آبی برای افغانستان از جهت‌های مختلف حایز اهمیت است. آشکارترین بُعد آن، اقتصاد است. از آن‌جا که اقتصاد شریان حیاتی کشور است، بنابراین، بهبود وضعیت اقتصادی می‌تواند به بهبود وضعیت فرهنگی، امنیتی، سیاسی و در نتیجه به توسعه بینجامد.

کنند. طبق آمار وزارت زراعت و مالدارۃ، افغانستان دارای هشت میلیون هکتار زمین قابل کشت است که به دلیل نبود آب کافی، فقط از نیمی از آن استفاده می‌شود. با اعمار بندهای آبی، ضمن این‌که تولیدات زراعتی زیاد می‌شود، مردم بیکار روستاها نیز شامل کار می‌شوند که در این صورت، مهاجرت از روستا به شهر کم می‌شود و تعدادی از کسانی که قبلاً نیز از روستا به شهر مهاجرت کرده بودند، کم کم به روستا برمی‌گردند. بنابراین، مشکل شلوعی و ترافیک سنگین شهر نیز حل می‌شود.

افزایش تولیدات زراعتی، افزایش تولیدات ناخالص داخلی را در پی دارد. از طرف دیگر، با احداث بندها و مدیریت آب می‌توان این ماده حیاتی را برای کشورهای نیازمند به فروش رساند. قیمت هر متر مکعب آب در بازار جهانی حداقل ۱٫۵ دالر است. افغانستان با فروش ۵۰ میلیارد متر مکعب آبی که دارد، سالانه ۷۵ میلیارد دالر درآمد کسب خواهد کرد. از طرف دیگر، هم‌اکنون افغانستان جهت تامین انرژی مورد نیاز خود، سالانه میلیون‌ها دالر به کشورهای صادرکننده برق، پول پرداخت می‌کند. بنابراین، با ساخت بندهای آبی از مصرف بخش بزرگ این پول جلوگیری خواهد شد. هم‌چنان، با ساخت بندهای آبی به دلایل متذکره،

درآمد سرانه کشور به گونه قابل توجه افزایش خواهد یافت.

افزایش درآمد سرانه، بخش‌های مختلف کشور را متأثر می‌سازد که در قدم نخست باعث افزایش میزان دسترسی به امکانات رفاهی می‌شود. هم‌چنین، افزایش درآمد سرانه باعث افزایش دسترسی به امکانات صحتی می‌گردد. پیش‌رفت بخش صحتی و افزایش دسترسی خانواده‌ها به خدمات صحتی، میزان مرگ و میر را کم می‌کند. بنابراین، افزایش دسترسی به امکانات صحتی و کاهش میزان مرگ و میر امید به زنده‌گی را در کشور افزایش می‌دهد.

از طرف دیگر، افزایش درآمد سرانه باعث افزایش دسترسی به آموزش خواهد شد. همان‌طوری که می‌دانید یکی از مشکلات بسیار بزرگ مردم افغانستان بی‌سوادی است. طوری که بیش از نیمی از مردم افغانستان بی‌سواد اند. بی‌سوادی چالش‌های گوناگونی را برای کشور خلق می‌کند. یکی از بزرگ‌ترین این چالش‌ها، فقر فرهنگی است. طبق تحقیقات انجام شده از سوی پژوهشگران مختلف، وجود فقر فرهنگی در میان مردم باعث سهولت جذب آن‌ها به گروه‌های افراطی مخالف می‌شود.

از طرف دیگر، به دلیل کاهش بیکاری و افزایش درآمد

سرانه، پیوستن مردم به گروه‌های مسلح مخالف دولت کم می‌شود. زیرا یکی از دلایل اصلی که گروه‌های مسلح مخالف دولت توانستند سالیان متمادی دوام بیاورند، موجودیت بیکاری و درآمد سرانه پایین –آن هم در بین جوانان است. بنابراین، بندهای آبی می‌توانند از طریق کاهش بیکاری و بهبود وضعیت فرهنگی با افزایش میزان دسترسی به آموزش، به بهبود امنیت نیز کمک کند.

هم‌چنین، افزایش درآمد ملی میزان وابسته‌گی سیاسی را کم می‌کند و چه بسا از بین می‌برد؛ زیرا علت عمده وابسته‌گی سیاسی، وابسته‌گی اقتصادی است. بنابراین، وجود بندهای آبی که به افزایش تولیدات ناخالص داخلی می‌انجامد، می‌تواند استقلال سیاسی را نیز در پی داشته باشد.

بهبود وضعیت اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و استقلال سیاسی منتج به توسعه می‌شود؛ پدیده‌ای که آرزوی دیرینه تمام کشورهای عقب‌مانده، از جمله افغانستان است.

با توضیحات فوق، مشخص می‌شود که ارزش و اهمیت بندهای آبی بسیار زیاد است. بنابراین، لازم است دولت و ملت دست در دست هم بدهند و از این مایه حیاتی بیش از پیش حفاظت کنند.

موانع ثبت موترهای بدون اسناد چیست؟

در همین حال، برخی فعالان مدنی هرات از ثبت موترهای بدون اسناد (دست پاکستان) ابراز خوشبینی کرده و این طرح را به سود حکومت و مالکان موترهای بدون اسناد عنوان می‌کنند. نجیب‌احمد جمشیدی، از فعالان مدنی هرات، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که قانون‌مندی‌سازی موترهای بدون اسناد می‌تواند راهکاری مناسب برای رسیده‌گی به مشکلات ناشی از افزایش این موترها در هرات باشد.

فرمان‌دهی پولیس هرات نیز می‌پذیرد که بخش زیادی از جرایم سازمان‌یافته مانند ترور، آدم‌ربایی و سرقت، با استفاده از موترهای بدون اسناد انجام می‌شود. عبدالاحد ولی‌زاده، سخنگوی فرمان‌دهی پولیس هرات، باور دارد که ثبت موترهای بدون اسناد سبب کاهش میزان جرایم و شناسایی مجرمان خواهد شد. براساس آمار مدیریت ترافیک هرات، در این ولایت حدود ۸۰ هزار موتر بدون اسناد (دست پاکستان) وجود دارد و تمام این موترها باید در جریان سه ماه ثبت و بایومتریک شود و پس از مهلت مشخص شده برای ثبت موترها، وسایطی که اسناد امنیتی نداشته باشد، از سوی پولیس جمع‌آوری خواهد شد.

با روند ثبت و محصول موترهای بدون اسناد دست افغانستان، حالا حکومت روند ثبت و صدور اسناد امنیتی به موترهای بدون اسناد دست پاکستان را آغاز کرده است. پیش از این مقام‌های محلی هرات چندین بار تلاش کردند موترهای بدون اسناد دست پاکستان که در هرات به «ویشی» شهرت دارند را جمع‌آوری کنند، اما به دنبال اعتراض مالکان این نوع موترها، روند جمع‌آوری ناکام شد.

شورای ولایتی هرات، هرچند از برنامه ثبت موترهای بدون اسناد استقبال می‌کنند، اما واکنش تندی به برخی موارد گنجانده شده در طرح ثبت این وسایط دارند. سردار بهادری، عضو شورای ولایتی هرات، در صحبت با روزنامه ۸ صبح، افرادی را که رهنمود ثبت این موترها را تهیه کرده‌اند «بی‌عقل» خطاب کرده و باور دارد که حکومت با پیچیده کردن رهنمود ثبت موترها، زمینه را برای فساد فراهم کرده است.

این عضو شورای ولایتی عقیده دارد که وجود مواردی مانند داشتن شناسنامه الکترونیکی و عدم خرید و فروش موترها، سبب عدم مراجعه موترداران برای ثبت وسایط در مدیریت ترافیک خواهد شد. وی می‌افزاید که در ثبت موترهای بدون اسناد (دست افغانستان) هم داشتن شناسنامه الکترونیکی ذکر شده بود، اما خودش با پرداخت «۱۰ هزار افغانی رشوت»، بدون داشتن شناسنامه الکترونیکی موترش را محصول کرده است. شماری از مالکان موترهای بدون اسناد نیز از طرح حکومت برای ثبت این موترها استقبال می‌کنند، اما وجود برخی محدودیت‌ها در ثبت وسایط را مانعی بزرگ برای اجرای طرح می‌دانند. نبی‌خان، از ساکنان هرات، عامل بیش‌تر حوادث راننده‌گی را موترهای بدون اسناد (دست پاکستان) عنوان می‌کند.

عبدالواسع، از مالکان موترهای بدون اسناد در هرات، باور دارد که ثبت این موترها می‌تواند سبب قانون‌مند شدن تردد آن‌ها شود و برای حکومت نیز منبع کسب عواید باشد، اما حکومت باید از واردات موترهای بدون اسناد و فساد در روند ثبت این موترها به گونه جدی جلوگیری کند.

سه ماه باید تمام موترهای بدون اسناد، در مدیریت ترافیک ثبت و بایومتریک شود. هارون وزیر، مدیر ترافیک هرات، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که برنامه ثبت موترهای بدون اسناد زیر نظر جلسات امنیتی «۶:۳۰ صبح» انجام می‌شود و امرالله صالح، معاون اول ریاست جمهوری، این روند را نظارت خواهد کرد. به گفته او، رهنمود ۱۵ ماده‌ای برای ثبت موترهای بدون اسناد از کابل به هرات ارسال شده و مطابق آن موترها ثبت و بایومتریک خواهد شد.

آقای وزیرمی‌افزود که براساس رهنمود، برای مالک هر موتر کارت امنیتی صادر می‌شود و روی شیشه جلو و شیشه عقب موتر «استیکر» شماره‌گذاری شده نصب می‌شود و روند صدور کارت امنیتی و استیکر، از سوی بخش «جرمن‌هایتک» در مدیریت ترافیک انجام خواهد شد. مدیر ترافیک هرات تصریح کرد که بر مبنای رهنمود ثبت موترهای بدون اسناد، مالکان موترها باید شناسنامه الکترونیکی داشته باشند، مالک موتر بایومتریک شود، یک فرد معتبر مانند وکیل گذر مالک موتر را تضمین کند، مالکان موترهای ثبت شده حق خرید و فروش آن‌ها را ندارند و در نهایت اسناد امنیتی موتر تنها در ولایتی اعتبار دارد که موتر در مدیریت ترافیک همان ولایت ثبت شده باشد.

مدیریت ترافیک هرات باور دارد که یکی از عوامل مهم بی‌نظمی در شهر هرات، تردد موترهای بدون اسناد و موترهای دست پاکستان است و اجرای برنامه ثبت این موترها می‌تواند در نظم‌بخشیدن به شهر و جلوگیری از جرم‌هایی که با استفاده از موترهای بدون اسناد انجام می‌شود، سودمند باشد. از جانب دیگر، برخی اعضای



محمدسین نیک‌خواه

به دنبال آغاز روند ثبت موترهای بدون اسناد در هرات، برخی اعضای شورای ولایتی این ولایت از وجود مشکلات اساسی در «رهنمود ثبت این موترها» شکایت دارند. از دید آنان، داشتن شناسنامه الکترونیکی برای ثبت و ممنوعیت خرید و فروش موترهای ثبت شده، دو مشکل اساسی است که روند ثبت این وسایط را با مشکل روبه‌رو می‌کند. اعضای شورای ولایتی هرات هشدار می‌دهند که پیچیده بودن روند ثبت موترهای بدون اسناد، زمینه‌ساز فساد گسترده در ثبت این وسایط خواهد شد و شرایط گنجانده شده در رهنمود ثبت موترها «غیرمنطقی» است و مانع ثبت این موترها خواهد شد.

شماری از ساکنان هرات، با استقبال از آغاز روند ثبت موترهای بدون اسناد، این اقدام را به سود مالکان موترها و حکومت عنوان می‌کنند. فعالان مدنی هم باور دارند که ثبت موترهای بدون اسناد، می‌تواند سبب قانون‌مندی‌سازی تردد این وسایط و نیز جلوگیری از سوءاستفاده آن در جرایم گوناگون شود. مقام‌های مدیریت ترافیک هرات تأکید دارند که براساس فیصله جلسه امنیتی «۶:۳۰ صبح» به رهبری معاون اول ریاست جمهوری، برای موترهای بدون اسناد «استیکر» و کارت امنیتی توزیع می‌شود و مالکان آن حق خرید، فروش و انتقال موتر از یک ولایت به ولایت دیگر را ندارند.

مدیریت ترافیک هرات از آغاز روند ثبت موترهای بدون اسناد (دست پاکستان) خبر می‌دهد. براساس دستور مقام‌های حکومت مرکزی، روند ثبت و بایومتریک این نوع موترها از روز شنبه، هفتم حمل، آغاز شد و در جریان

افغانستان در قرن چهاردهم خورشیدی؛

درس‌هایی از تاریخ

بخش دوازدهم و پایانی



در قرن چهاردهم خورشیدی نتوانست در مسیر درست؛ مسیر صلح، برابری و داشتن یک جامعه دموکراتیک قرار گیرد. هیچ یک از رویاها و مطالبات مردم افغانستان که در شروع این قرن به آن‌ها دست داده بود، به حقیقت نپیوسته و عینیت نیافته است. نه تنها تحقق نیافته است که بیم آن می‌رود که افغانستان به دوران سیاه طالبان که چیزی جز کشتار، شکنجه و تجاوز نبود، برگردد. قرن چهاردهم خورشیدی با جنگ شروع شد و اکنون با جنگ پایان می‌یابد.

افغانستان از زمان شکل‌گیری‌اش تاکنون دارای حاکمان ضعیف بوده است و از ویژه‌گی‌های حاکمان ضعیف، دست نشانده بودن آنان است و مداخله خارجی در حاکمیت‌های ضعیف یک امر معمول است. شاه شجاع توسط بریتانیایی‌ها به قدرت بازگردانده شد و تا روزهای مرگش دست نشانده و فاقد استقلال رای بود. در سال ۱۸۷۹ یعقوب خان به کمک بریتانیایی‌ها بر تخت نشست و برای همین کم‌تر از یک سال دوام نیامد و برای امضای معاهده گندمک مورد نكوهش مردم قرار گرفت. ظاهر شاه به استثنای ده سال آخر پادشاهی‌اش، همیشه از عموهایش دستور می‌گرفت و سرانجام هم با کودتای عمومیش از سلطنت برکنار شد. حزب دموکراتیک خلق دست نشانده و دارای حاکمان ضعیف بود. این حزب به شدت شیفته و پیرو شوروی و اردوگاه سوسیالیسم بود و در برابر فرامین رهبران اتحاد جماهیر شوروی هیچ‌گاه نمی‌توانست سرپیچی کند. در حالی که تره‌کی رییس جمهور بود، قدرت عملاً در دست حفیظ الله امین بود و در نهایت توسط امین به قتل رسید. بیک کارمل به حدی وابسته و ضعیف بود که به ساده‌گی برکنار و به بیرون از کشور تبعید شد. این وضع در مورد حکومت مجاهدین، طالبان، کرزی و غنی نیز به کلی صدق می‌کند. افغانستان که به استقلال‌طلبی و جنگ برای استقلال معروف است، وابسته‌ترین و دست نشانده‌ترین حاکمان را داشته است

برای نجات افغانستان، افغانستان‌شناسی شرط اساسی است. برداشتن هرگام بزرگ ملی بدون درک درست از مناسبات و ویژه‌گی‌های تاریخی افغانستان، ناکام و زیان‌بار است. برای ارایه راه حل برای عبور از بحران افغانستان و بالاخره برای رسیدن به یک جامعه دموکراتیک برخوردار از برابری اجتماعی، باید دانش خود را از واقعیت‌های تاریخی - ملی و داخلی افغانستان بگیریم. ارایه هرگونه برنامه و طرح برای افغانستان - براساس نسخه‌ها و مدل‌های بیرونی یا فقط براساس روایت‌های بزرگی چون سوسیالیسم، اسلام سیاسی و لیبرالیسم (بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های ملی و ویژه‌گی‌های تاریخی و قومی افغانستان) ناکام خواهد بود. افغانستان در قرن چهاردهم خورشیدی از مسیر همه این‌ها گذشت و داروی هرکدامی از این‌ها را برای التیام زخم خودش تجویز و استفاده کرد؛ اما نتیجه آن افزایش درد و عمیق شدن زخم بوده است. بحران افغانستان بیش‌تر داخلی است و راه حلش هم داخلی خواهد بود. افغانستان از زمان شکل‌گیری تاکنون، با مشکل تبعیض، برتری‌طلبی، بی‌عدالتی و عدم اعتماد ملی دست و پنجه نرم کرده است. کشورهای همسایه، منطقه و جهان مدام از ناراضی‌های داخلی در افغانستان استفاده کرده‌اند. بنابراین، با تسلیم شدن تمام طرف‌ها به واقعیت‌های ملی، با حل عادلانه و دموکراتیک مسأله ملی، با تأمین عدالت برای تمام مردم افغانستان - بدون در نظر داشت قوم، مذهب و سمت، می‌توانیم افغانستان را در مسیر درست قرار دهیم.

قرن چهاردهم خورشیدی برای افغانستان، با کسب استقلال و به کرسی نشاندن آرمان‌های والای شاه جوان آغاز شد، با استبداد، مبارزه بر ضد استبداد، وقوع چندین کودتا، انقلابی‌گری، جهاد، بنیادگرایی و مبارزه برای داشتن یک جامعه دموکراتیک ادامه یافت و حالا در اوج ناامیدی و غمگینی پایان می‌یابد. افغانستان با تقدیم کردن میلیون‌ها کشته و زخمی، معلول و آواره

حالی که دولت با تضرع و زاری خواستار آتش‌بس و قطع خون‌ریزی است، گروه طالبان هم چنان بر طبل جنگ و تسخیر بیش‌تر اراضی و مناطق افغانستان می‌کوبد. هرچند مقامات حکومتی از بهار و سال خونین هشدار داده‌اند؛ اما شاید در سال پیش رو، سرنوشت چهل و دو سال جنگ افغانستان به نفع دولت حاکم یا گروه طالبان مشخص شود.

افغانستان در دو راهی فرصت و چالش قرار گرفته است. اگر از فرصت پیش آمده برای صلح استفاده درست صورت بگیرد، ممکن است افغانستان در قرن جدید راه توسعه و رشد را پیماید؛ اما اگر آخرین تلاش‌ها برای برقراری صلح با بن‌بست مواجه شود و گزینه گروه طالبان ادامه جنگ و غلبه از راه نظامی باشد، افغانستان وارد مرحله دیگری از جنگ و خون‌ریزی خواهد شد. زیرا دوام جنگ از سوی طالبان، شکل‌گیری مقاومت دیگری را در پی خواهد داشت. زیرا مقاومت مسلحانه در برابر طالبان، غیر قابل اجتناب است. بنابراین، افغانستان در دروازه بهشت و دوزخ قرار دارد و با ترس و نگرانی بسیار بین دروازه و اتاق انتظار این دو در حرکت است. تاریخ هنوز تصمیم نگرفته است که افغانستان از کدام یکی سر بیرون می‌آورد و این‌که این کشور از کدام یکی سر بیرون خواهد آورد، بسته‌گی به رشته‌ای از حوادث و چگونگی برخورد حکومت و مردم افغانستان با آن حوادث دارد.

حالا که قرن حاضر را قرار است تحویل تاریخ بدهیم، نیاز است تا مجموعه‌ای از خصایل درشت و بد قومی، دینی و مذهبی خویش را که با خون و تعصب آغشته و عجین است، برای عبور و رسیدن به یک جامعه انسانی، دموکراتیک و برابر، به تاریخ بسپاریم و فراموش کنیم. آن‌چه از تاریخ قرن چهاردهم آموختیم، این است: اعمال سلطه، قوم‌گرایی، تبعیض و نابرابری آفت بزرگ ملی است و ممکن است هر دهه یک‌بار افغانستان و مردمش را گرفتار منازعه و درگیری خونین بسازد. بنابراین، به جای سعی و تلاش برای نگهداشتن سلطه و برتری‌طلبی باید دسته‌جمعی بالای آموزش کودکان، گسترش دانش به سراسر کشور، همدلی و وحدت ملی کار صورت بگیرد. افغانستان سرزمین و خانه مشترک همه اقوام و مذاهب موجود دانسته و قبول شود. باید امتیازهای این خانه مشترک میان همه باشندگانیش برابر و مساویانه تقسیم و توزیع شود. باید همه مردم افغانستان سیمای خویش را در آینه ملی ببینند.

حالا که وارد قرن دیگری می‌شویم، باید هر آن‌چه را در سده چهاردهم خورشیدی مانع و سد راه وحدت ملی، توسعه و رشد اقتصادی بوده است، رها کنیم. به خصوص در این مرحله و لحظه تاریخ باید خود را آماده کنیم که وارد مرحله عمل شویم. همه طرف‌ها به واقعیت‌های داخلی تن بدهیم. نباید در مرحله تفکر و در حد سخن درنگ کنیم. باید سیستم خاص خویش را که استوار بر واقعیت‌های تاریخی و براساس شرایط تاریخی افغانستان باشد، برای تشکیلات و اداره جدید کشور پیش‌کش کنیم و عملی بسازیم.



حبیب‌حمزاده

و در طول تاریخ حکومتی نداشته است که بتواند بدون درآمدهای خارجی و کمک‌های بیرونی به حیات خود ادامه دهد و کشور را نگه دارد. شورش، جنگ قبیله‌ها، جنگ قومی و خشونت، از ویژه‌گی‌های تاریخ معاصر این کشور است. هیچ یک از حاکمان معاصر افغانستان از شورش و سلاح‌کشی مردم مصون و در امان نبوده است. از زمان مرگ امیر عبدالرحمان خان (۱۹۰۱ میلادی) تاکنون تمام پادشاهان و حاکمان افغانستان با قتل یا شورش مسلحانه مواجه شده و معمولاً برای دفع و سرکوب هر شورش و اعتراضی از یک کشور بیرونی کمک طلبیده‌اند. طلب کمک از بیگانه فقط به منظور شورشیان نبوده است، چه بسا حاکمیت‌های گذشته و کنونی برای سرکوب مخالفان سیاسی دست به دامن بیرونی‌ها شده‌اند.

سلطنت‌های استبدادی، سلطنت‌های مشروطه، جمهوری داوود، جمهوری سوسیالیستی، حکومت مجاهدین، طالبان و نظام کنونی و رهبرانش سرنوشت و شرایط مشابه دارند. برای همین، بی‌جا نیست اگر به افغانستان سرزمین شورش‌های ابدی گفته شود. متأسفانه هیچ یک از شورش‌ها و قتل‌ها در صد سال اخیر موجب پند و اندرز برای آینده‌گان نشده است.

قرنی که رو به پایان است، میراث بدی را تحویل قرن جدید می‌دهد. این قرن، یک دولت ورشکسته و شاید هم بدتر از آن بی‌دولتی و هرج‌ومرج، حاکمیت گروه بزرگی از بنیادگرایان اسلامی، بحران اجتماعی و اقتصادی، قوم‌گرایی، تبعیض و تعصب که یکی از ویژه‌گی‌های قرن چهاردهم در افغانستان بود را تحویل قرن جدید می‌دهد. هنوز بسیاری از چیزهایی که در آغاز این قرن شروع شده بود، حل نشده است و پرونده‌شان مقابل چشم ما هم‌چنان باز است و از نسل جدید انتظار می‌رود که آنان را در قرن جدید حل کنند. داشتن یک حکومت عادل، از میان برداشتن تبعیض و تعصب، بیدار ساختن مردم، برقراری عدالت اجتماعی و پاک کردن جامعه از افراط‌گرایی، افغانستان با ثبات و با تربیت و مردم اهل مدارا چیزهایی است که از این قرن به آن قرن می‌ماند و می‌باید آینده‌گان برای آن سعی و تلاش کنند. سایه قرن رو به اتمام، هم‌چنان تا مدت‌ها بر سر قرن جدید گسترده خواهد بود. مشکلات و میراث خون‌بار این قرن بر شاه‌های قرن جدید سنگینی خواهد کرد.

افغانستان نوین و دموکراتیک در معرض خطر فروپاشی است. گروه طالبان پس از ۱۹ سال جنگ و خون‌ریزی، دولت و حاکمان کنونی افغانستان را به میز مذاکره نشانده و طی دو سال مذاکره و دیپلماسی جهانی و منطقه‌ای در وضعیت بهتر از قبل قرار گرفته است. در



روح الله علی

دود حشیش و غزل حافظ؛ معتادی که برای گریز از فقر، همه چیز را باخت



محمدعلی را با شماری دیگر به اردوگاه «سنگ سفید» می‌فرستند. از هر که می‌پرسد کجا رسیده است، تنها یک پاسخ می‌شنود: «در خاک ایران استیم». برایش دل‌داری می‌دهند: «تشویش نکو. توکل خود را با خدا کو. اگر خدا خواسته باشه، دو روز بعد تهران استیم. از ایجه که به خیر رد شویم و به دست پولیس و دزد و آدم‌رباها نیفتیم، دیگه کار ما جور اس».

قاجاق‌بر به آن‌ها می‌گوید که روز را در گوشه‌ای سر کنند و شب راه بیفتند. محمدعلی و هم‌راهانش شب‌هنگام در تاریکی راه می‌افتند. دوان‌دوان به جایی می‌رسند که پاسگاه پولیس است، شماری از هم‌راهانش فرار می‌کنند. محمدعلی اما چانس ندارد. می‌بیند که راه فرار بسته است و هیچ گزینه‌ای جز تسلیمی برایش نمانده است. ناچار می‌شود خود را به پولیس تحویل دهد. او را به پاسگاه می‌برند و برای مدتی در آن‌جا می‌ماند. علاوه بر «تحقیر»، «توهین» و «شکنجه»، صفاکاری و تمیز کردن داخل و بیرون پاسگاه را نیز به او می‌سپارند. پس از بیست روز،

محمدعلی را با شماری دیگر به اردوگاه «سنگ سفید» می‌فرستند. از هر که می‌پرسد کجا رسیده است، تنها یک پاسخ می‌شنود: «در خاک ایران استیم». برایش دل‌داری می‌دهند: «تشویش نکو. توکل خود را با خدا کو. اگر خدا خواسته باشه، دو روز بعد تهران استیم. از ایجه که به خیر رد شویم و به دست پولیس و دزد و آدم‌رباها نیفتیم، دیگه کار ما جور اس».

قاجاق‌بر به آن‌ها می‌گوید که روز را در گوشه‌ای سر کنند و شب راه بیفتند. محمدعلی و هم‌راهانش شب‌هنگام در تاریکی راه می‌افتند. دوان‌دوان به جایی می‌رسند که پاسگاه پولیس است، شماری از هم‌راهانش فرار می‌کنند. محمدعلی اما چانس ندارد. می‌بیند که راه فرار بسته است و هیچ گزینه‌ای جز تسلیمی برایش نمانده است. ناچار می‌شود خود را به پولیس تحویل دهد. او را به پاسگاه می‌برند و برای مدتی در آن‌جا می‌ماند. علاوه بر «تحقیر»، «توهین» و «شکنجه»، صفاکاری و تمیز کردن داخل و بیرون پاسگاه را نیز به او می‌سپارند. پس از بیست روز،

در هوای سرد، مجلس‌شان گرم است. چهار تن روبه‌روی هم زیر نور خورشید در کنار کتاره‌های زنگ‌زده پل‌سوخته نشسته‌اند. یکی، دیوان حافظ شیرازی به دست دارد و با صدای بلند بیت «اگر آن ترک شیرازی...» را زمزمه می‌کند. سه تن دیگر که کنارش نشسته‌اند، در کنار گوش دادن به او، پودر را روی زورق برای کشیدن آماده می‌کنند. از دیرزمانی روال زنده‌گی‌شان همین است. دیوان حافظ و دود پودر، بخش جدایی‌ناپذیر روزمره‌گی‌هایش شده و دیگر غم چیزی را ندارد. پس از آن که برای گریز از فقر به بیرون از کشور رفت، دیگر هیچ‌گاه به آغوش خانواده برنگشت. می‌خواست از فقر بگریزد، اما حالا در دام اعتیاد گیر افتاده است؛ اعتیادی که همه چیز و حتا خانواده را از او گرفته است.

چرخ روزگار طبق میل او نمی‌چرخد. به تدریج فقر و ناداری، دایره زنده‌گی را برای او و خانواده هفت‌نفری‌اش تنگ و تنگ‌تر می‌سازد. محمدعلی مجبور است کار کند و چرخ زنده‌گی خود و خانواده‌اش را به طور نسبی بچرخاند. دهقانی، چوپانی، روزانه‌کاری و خلاصه همه راه‌های ممکن را طی می‌کند؛ اما چیزی نصیبش نمی‌شود. کمر را می‌بندد و قاجاچی راه «پرخوف و خطر» ایران را در پیش می‌گیرد. از یکی از همسایه‌ها مقداری پول بابت کرایه موتر و جیب‌خرچی قرض می‌گیرد و وعده می‌دهد که به محض رسیدن به ایران و پیدا کردن کار، در اولین اقدام، پول همسایه‌اش را خواهد فرستاد. علی و هم‌راهانش راه پاکستان را در پیش می‌گیرند تا از آن طریق خود را به ایران برسانند.

فردای آن روز قاجاچی وارد پاکستان می‌شود و پس از مدتی با عبور از مرز خود را به خاک ایران می‌رساند. همین که وارد خاک ایران می‌شود، دیگر بخت با محمدعلی یار نیست. بی‌خبر از سرنوشت شومی که دامن‌گیر او خواهد شد و تا زنده است از آن رنج خواهد برد. او نمی‌داند که کجا است. نخستین‌بار است که راه سفر در پیش

اجلاس «پروسه استانبول – قلب آسیا» و اهمیت همکاری‌های متقابل افغانستان و تاجیکستان



تقوی الله تقوی
کارمند سفارت جمهوری
اسلامی افغانستان
مقیم تاجیکستان
بخش اول



در مسیر دوستی و همکاری است که در فرصت مناسب و مقدر تقدیم خواننده‌گان گرامی می‌شود.

اهمیت روابط و ضرورت همکاری‌های متقابل افغانستان و تاجیکستان

افغانستان و تاجیکستان دو کشور مستقل هم‌جوار و دو همسایه نیک و همکار در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی هستند. مناسبات این دو کشور همسایه، از زمان حصول استقلال تاجیکستان در سال ۱۹۹۱ میلادی تاکنون، همواره براساس اصل حسن همجواری و منافع متقابل ملی استوار بوده و هیچ‌گونه خدشه‌ای در روابط دو کشور به وجود نیامده است. افغانستان از جمله نخستین کشورهایی است که استقلال تاجیکستان را به رسمیت شناخت. روابط دیپلماتیک بین دو کشور به تاریخ ۱۳ جولای ۱۹۹۲ آغاز شد و از آن زمان تاکنون، سیاست جمهوری تاجیکستان در قبال افغانستان مثبت بوده و تاجیکستان همواره در مجالس ملی و بین‌المللی از روند استقرار صلح و ثبات پایدار در افغانستان حمایت کرده است.

این همسایگی مرز طولانی به درازای ۱۳۶۴ کیلومتر و این دوستی ابعاد گسترده و مبنایی به مراتب فراتر از حدود همسایگی دارد. مبنای دوستی افغانستان و تاجیکستان از آنجایی آغاز می‌شود که تاریخ و فرهنگ مشترک هر دو کشور از آن‌جا آغاز شده است. تاریخ و فرهنگی که در متن و بطن آن ابو عبدالله رودکی، ابن‌سینای بلخی، حکیم ناصر خسرو قبادیانی، حکیم ابوالقاسم فردوسی، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، مولانا عبدالرحمان جامی، کمال خجندی، محمد ابن موسی خوارزمی، مولانا یعقوب چرخ، میرعلی سعید همدانی و ده‌ها تن عالم و حکیم و شاعر و ادیب دیگر زاده و پرورده شده‌اند.

افغانستان و تاجیکستان از جمله نادر کشورهایی‌اند که بیش‌ترین و عمیق‌ترین مشترکات را با هم دارند و این مشترکات عمیق و دیرینه، تقویت‌کننده همکاری‌های نوین در سطح منطقه و جهان به شمار می‌رود.

قرار است نهمین اجلاس سازمان منطقه‌ای «قلب آسیا – روند استانبول» به تاریخ ۱۰ حمل ۱۴۰۰ خورشیدی، برابر با ۳۰ مارچ ۲۰۲۱ میلادی با شرکت وزرای خارجه کشورهای عضو و تحت ریاست مشترک روسای جمهور افغانستان و تاجیکستان در شهر دوشنبه برگزار شود. «پروسه استانبول – قلب آسیا» در سال ۲۰۱۱ میلادی به ابتکار و پیشنهاد افغانستان و با حمایت دولت ترکیه تشکیل شد. فعالیت‌های «روند استانبول – قلب آسیا» عمدتاً به فراهم‌سازی زمینه‌های گفت‌وگو و تقویت همکاری و همگرایی منطقه‌ای، به ویژه در رابطه با افغانستان معطوف است و در همین راستا به هم‌سوسازی فعالیت‌های مشترک کشورهای عضو به خاطر اعتمادسازی، استفاده بهینه از فرصت‌های ترانزیتی، مبارزه با تروریسم و مواد مخدر، مقابله با حوادث طبیعی، توسعه تجارت منطقه‌ای و سرمایه‌گذاری می‌پردازد. گفتنی است که ۱۴ کشور همسایه و منطقه در این سازمان عضویت دارند و ۱۶ کشور ۱۲ سازمان بین‌المللی از آن حمایت می‌کنند. کشورهای عضو عبارت‌اند از: افغانستان، تاجیکستان، ایران، ترکیه، آذربایجان، چین، هند، قزاقستان، قرقیزستان، پاکستان، روسیه، عربستان، ترکمنستان و امارات متحده.

جلسات نوبتی این سازمان مهم منطقه‌ای همه‌ساله در پایتخت یکی از کشورهای عضو برگزار می‌شود و امسال (۱۴۰۰ هجری خورشیدی) قرار است، نهمین اجلاس آن در شهر دوشنبه برگزار شود. این مقاله تحت عنوان «اهمیت روابط و ضرورت همکاری‌های متقابل افغانستان و تاجیکستان» به مطالعه ضرورت همکاری و همگرایی بیش‌تر افغانستان و تاجیکستان به مثابه دو کشور مستقل هم‌جوار و دو عضو فعال «پروسه استانبول – قلب آسیا» می‌پردازد و نقش محوری و موقعیت مهم ژئواستراتژیک این دو کشور دوست و همسایه را در اتصال کشورهای منطقه و به خصوص مبدل شدن افغانستان به «چهارراه آسیا» برجسته می‌سازد. این مقاله در واقع بخشی از یک تحلیل وسیع‌تر و مفصل‌تر تحت عنوان «افغانستان – تاجیکستان

الف: اهمیت تاجیکستان برای افغانستان

۱- طبق خطوط اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی افغانستان که از سوی محمد اشرف غنی، رییس جمهور کشور در مراسم تحلیف بیان شد، جمهوری تاجیکستان در سه حلقه از حلقه‌های پنج‌گانه سیاست خارجی افغانستان جایگاه دارد؛ حلقه کشورهای همسایه، حلقه کشورهای اسلامی و حلقه کشورهای آسیایی. براساس اهمیت حلقه همسایگی، اسلامی و آسیایی که در سیاست خارجی افغانستان مطرح است، تاجیکستان از نادر کشورهایی است که از سه مولفه مهم ارزش‌گذاری در روابط خارجی افغانستان برخوردار است و به اهمیت آن افزوده است.

۲- همان‌گونه که اشاره شد، تاجیکستان مرز طولانی مشترک با افغانستان دارد و این مرز طولانی تأثیر مستقیم بر روابط سیاسی، اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی دو کشور دارد.

۳- تاجیکستان در جمع کشورهای آسیای میانه به جهت داشتن منابع آبی فراوان که اکثر از کوه‌های پامیر سرچشمه می‌گیرد، کشور بالا آب است و بقیه کشورهای آسیای میانه کشورهای پایان آب گفته می‌شوند. منابع آبی تاجیکستان، مثل دریای پنج و شاخه‌های آن بین تاجیکستان و افغانستان مشترک است و مدیریت سالم و موثر این آب‌ها به سود هر دو کشور است. در آینده، در این رابطه بین دو کشور منافع مشترک و به تبع آن دوستان و دشمنان مشترک پیدا خواهند شد و اهمیت هر دو کشور همسایه نزد هم‌دیگر بیش‌تر خواهد شد.

۴- تاجیکستان بیش‌ترین داد و ستد تجاری را با چین، دومین اقتصاد بزرگ جهان دارد و بر مبنای پیمان «مشارکت استراتژیک جامع» که در سال ۲۰۱۷ میلادی بین روسای جمهور دو کشور به امضا رسید، قرار است، طرح «یک راه و یک کمربند» به عنوان بخش جنوبی راه بزرگ ابریشم با احداث راه آهن بین چین، قرقیزستان، تاجیکستان، افغانستان و ایران اجرایی شود که در آن صورت به اهمیت ترانزیتی تاجیکستان و افغانستان افزوده خواهد شد و درک شاخص‌های منافع متقابل ملی و بهره‌برداری درست از موقعیت ترانزیتی برای هر دو کشور اهمیت بی‌پیشینه پیدا خواهد کرد. بنابراین، موفقیت این طرح بسته‌گی به امنیت و روابط این دو کشور دارد.

ادامه در صفحه ۹

اجلاس «پروسه استانبول - قلب آسیا»...



۵- براساس تجارب حاصله، افغانستان از جهت وابسته‌گی بنادر زمینی به پاکستان همواره دچار مشکل است و در برخی مواقع به دلایل اختلافات مرزی و ارضی و برهم خوردن مناسبات سیاسی، بنادر زمینی افغانستان نظیر بندر تورخم در ولایت ننگرهار و بندر اسپین بولدک در قندهار از سوی پاکستان به روی اموال تجارتی و ترانزیتی افغانستان مسدود می‌شود. در چنین حالت‌هایی، نرخ مواد اولیه حیاتی در بازارهای افغانستان بلند رفته و از جهات مختلف به دولت و مردم این کشور فشار و زیان وارد شده است. با توجه به این مشکلات، یکی از راه‌های حل این است که افغانستان به لحاظ حمل و نقل و ترانزیت اموال تجارتی به یک مسیر معین محدود نباشد و بایستی مسیرهای بدیل را در اختیار داشته باشد. مسیر تاجیکستان در چنین شرایطی خیلی مهم است و کوتاه‌ترین مسیر به بازارهای ایالت سین کیانگ چین می‌باشد. همان‌طوری که افغانستان در راستای شکستن بن‌بست ارتباطات زمینی و ترانزیتی گزینه‌های مختلفی را در نظر گرفته و در راستای همین هدف در احداث کریدورهای اقتصادی راه لاجورد - چابهار به شکل وسیع تلاش کرده است تا از وابسته‌گی به بنادر یک کشور (پاکستان) رهایی یابد؛ همان‌طور باید به موقعیت ترانزیتی تاجیکستان به مثابه کوتاه‌ترین مسیر اتصال به بازارهای ایالت سین کیانگ چین توجه کند.

۶- افغانستان همیشه از جهت نبود و کمبود انرژی لازم برای تولید و حرکت چرخ صنعت دچار مشکل است و کمبود نیروی برق لازم در افغانستان باعث شده است که کارخانه‌های تولیدی این کشور نتوانند، به درستی کار کنند و تولیدات خویش را در بازارهای جهانی و منطقه‌ای عرضه نمایند و به رونق اقتصادی کشور افزوده شود. در این میان، یکی از منابع مهمی که افغانستان می‌تواند انرژی مورد نیاز خود را تامین کند، استفاده از انرژی برق تاجیکستان است. در حال حاضر افغانستان سالانه به ارزش بیش از پنجاه میلیون دلار امریکایی از تاجیکستان برق خریداری می‌کند که در ولایت‌های کندز، بغلان و کابل به مصرف می‌رسد. از این نظر، تاجیکستان در رونق اقتصادی و تنویر منازل مسکونی مردم افغانستان اهمیت بسزایی دارد. در آینده هم از ترانزیت برق «راغون» سهمی به افغانستان خواهد رسید و مسلماً با استقرار امنیت در افغانستان ظرفیت‌های زیادی در این کشور برای تولید انرژی موجود است.

۷- اجرایی شدن طرح انتقال برق تاجیکستان از طریق افغانستان به کشورهای آسیای جنوبی یا کاسا ۱۰۰۰ به نقش ترانزیتی افغانستان در منطقه افزوده است و برعلاوه منافع اقتصادی که از رهگذر ترانزیت برق نصیب افغانستان می‌شود، حتی در درازمدت پاکستان و هند محتاج دوستی افغانستان خواهند شد و براساس این ضرورت دو کشور مقتدر و باهم مخالف آسیای جنوبی (هند و پاکستان) مجبور اند از تشدید بحران و تداوم جنگ‌های نیابتی خود در افغانستان جلوگیری کنند و گزینه صلح و ثبات افغانستان را در اولویت‌شان قرار دهند. از این منظر نیز تاجیکستان برای افغانستان اهمیت خاص دارد.

آخرین پیش‌رفت‌ها و گزارش‌ها در مورد پروژه بزرگ منطقه‌ای کاسا ۱۰۰۰

براساس گزارش‌های منتشر شده، دولت تاجیکستان تصمیم دارد تا پایان سال جاری (۲۰۲۱) ساخت بخش تاجیکستانی پروژه کاسا ۱۰۰۰ را به پایان برساند. معاون اول وزیر انرژی و منابع آب تاجیکستان «جمشید شامزاده» گفت که اجرای بخش تاجیکی پروژه کاسا ۱۰۰۰ در سال جاری میلادی (۲۰۲۱) به پایان می‌رسد.

برابر با سخنان وی، تاکنون برای کارهای ساخت‌وساز، ۱۱۵ میلیون دلار هزینه شده و تا به امروز حدود ۷۰ درصد کارهای ساخت خط انتقال و پست مبدل برق به اتمام رسیده است. وی افزود: «کلیه تجهیزات لازم برای ساخت تاسیسات قبلا سفارش شده بود که

۸۰ درصد آن به کشور وارد شده است.» شامزاده خریداران برق صادراتی از طریق این خط انتقال برق را پاکستان و همچنین افغانستان عنوان کرد و گفت: «افغانستان می‌تواند سهم برق خود را از طریق خط ۲۲۰ کیلووات به دست آورد که در این زمینه موافقت‌نامه‌ای به امضا رسیده است.

وزارت انرژی و آب افغانستان در سال ۲۰۱۷ اعلام کرده بود که روند کار عملی طرح انتقال برق کشورهای قرقیزستان و تاجیکستان، موسوم به «کاسا ۱۰۰۰» باید تا پایان سال روان میلادی تکمیل و در آغاز سال ۲۰۱۸ میلادی کار عملی آن آغاز شود.

وزارت انرژی و آب افغانستان از دو شرکت هندی که برای عملی ساختن این پروژه در افغانستان علاقه‌مند هستند، نام برده بود و قرار بر آن بود که یکی از این شرکت‌ها برگزیده شود. این پروژه بزرگ منطقه‌ای که کشورهای آسیای مرکزی را به آسیای جنوبی وصل می‌کند، در ماه اپریل سال ۲۰۱۶ به توافق وزرای انرژی افغانستان، قرقیزستان، تاجیکستان و پاکستان رسیده است.

براساس این طرح، برق مازاد کشورهای قرقیزستان و تاجیکستان از طریق خطوط انتقال انرژی با طول ۱۲۵۰ کیلومتر، با ولتاژ بلند به افغانستان و بعد به پاکستان منتقل خواهد شد. تاجیکستان و قرقیزستان از طریق این پروژه می‌توانند در شش ماه از سال، نزدیک به پنج میلیارد کیلووات ساعت برق را به افغانستان و پاکستان صادر کنند.

تسهیلات و عواید پروژه: بهره‌مندی مردم و دولت‌ها از انرژی برق، کارآفرینی و درآمد سالانه از منبع ترانزیت برق به دولت افغانستان حدود ۴۵ میلیون دلار است.

هزینه عمومی و سهم کشورهای عضو این پروژه: هزینه کل ساخت طرح کاسا ۱۰۰۰ بیش از یک میلیارد دلار برآورد شده که ۳۱۴ میلیون دلار آن به تاجیکستان، ۲۰۹ میلیون دلار آن به قرقیزستان، ۳۵۴ میلیون دلار آن به افغانستان و ۲۰۹ میلیون دلار آن به پاکستان مربوط است. برای اجرای بخش تاجیکستانی این طرح، بانک جهانی ۴۵ میلیون دلار، بانک بازسازی و توسعه اروپا ۱۱۰ میلیون دلار و بانک توسعه اسلامی ۷۰ میلیون دلار اختصاص می‌دهند.

تمویل‌کننده‌گان پروژه: بانک جهانی، امریکا، انگلستان، بانک سرمایه‌گذاری اروپایی و بانک توسعه اسلامی.

طراحان نخستین پروژه: طراحان اصلی و نخستین این پروژه ایالات متحده و بانک جهانی‌اند. نهادهای دیپلماتیک امریکا قصد دارند با احداث خط انتقال برق، جهت‌گیری کشورهای منطقه را به سمت جنوب آسیا تقویت و ارتباط شان را با روسیه و چین تضعیف کنند.

این پروژه یکی از طرح‌های بزرگ منطقه آسیای مرکزی به شمار می‌رود که برای اولین بار در سال ۲۰۰۵ در کنفرانس همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای (ریکا) معرفی شد.

مبتکران پروژه به راحتی به کشورهای منطقه وعده می‌دهند که کاسا ۱۰۰۰ نه تنها به کشورهای صادرکننده کمک می‌کند تا پول خوبی به دست آورند، بلکه به طور کلی فرصتی برای حل و فصل

مشکلات اساسی فراهم می‌کند.

چالش‌های فراراه تطبیق پروژه: کاسا ۱۰۰۰ یک پروژه‌ای در مقیاس بزرگ است؛ اما با خطرات و شرایط ناشناخته بسیاری مواجه است؛ از قبیل مشکلات امنیتی مسیر انتقال برق مانند اوضاع افغانستان، باز پرداخت قروض تمویل‌کننده‌گان در زمان معین (چنانچه گفته می‌شود مبلغ هزینه شده برای ساخت این پروژه باید در طول ۱۵ سال بازگردانده شود) و هم‌چنان امکان درگیری کشورهای بالا آب مانند تاجیکستان و قرقیزستان با کشورهای پایین آب مانند اوزبیکستان، قزاقستان و ترکمنستان به عنوان مصرف‌کننده‌گان آب. همین‌طور قیمت بلند برق که فی کیلووات در حدود ۱۰ سنت تعیین شده است و این قیمت بلند هرازچندگاهی سبب اعتراض مصرف‌کننده‌گان برق می‌شود. چنانچه دولت پاکستان آماده خرید برق با قیمت ۱۰ سنت برای هر کیلووات نیست، نماینده‌گان اسلام‌آباد اصرار دارند که این قیمت را ۳ برابر کم‌تر کنند. با قیمت پیشنهادی پاکستان، عملاً قرقیزستان و تاجیکستان علاقه‌ای به صادر کردن برق نخواهند داشت. با توجه به قیمت بلند برق، قبلاً افغانستان نیز اعلام کرده بود که توان خرید برق به این قیمت را ندارد و تنها کشور ترانزیتی در این مسیر خواهد بود. از سوی دیگر، تاجیکستان به اوزبیکستان هر کیلووات ساعت برق را به قیمت دو سنت صادر می‌کند.

جمع‌بندی و خلاصه

پروژه بزرگ منطقه‌ای کاسا ۱۰۰۰ در سال ۲۰۰۵ معرفی و در سال ۲۰۱۶ اولین موافقت‌نامه شروع کار عملی آن بین وزرای انرژی کشورهای عضو (افغانستان، پاکستان، تاجیکستان، قرقیزستان) امضا شد. از آن زمان تاکنون، تحول چشم‌گیر در کار احداث و تکمیل پروژه به وجود نیامده است و فقط گاه گاهی به عنوان دست‌آورد در مجالس سیاسی مطرح و به خورد مطبوعات داده می‌شود. بدون شک این پروژه در نوع خود اهمیت بزرگ منطقه‌ای دارد و با تطبیق آن افغانستان به حیث شریک با اعتبار در انکشاف منطقه‌ای و به عنوان محور بازار انرژی منطقه و هم‌چنان نقطه وصل دو بخش مهم آسیا (آسیای میانه و آسیای جنوبی) شناخته خواهد شد. از سوی دیگر، کشورهای عضو پروژه در حفظ امنیت و ثبات افغانستان توجه و تلاش صادقانه خواهند کرد.

۸- با توجه به جغرافیای دشوارگذر و لوسوالی‌های سرحدی ولایت بدخشان، حمل و نقل جاده‌ای و اكمال مواد مورد ضرورت مردم در این لوسوالی‌ها به ویژه در فصل زمستان خیلی دشوار و در برخی مناطق ناممکن است. مردم این لوسوالی‌ها در موسم زمستان از ناچاری و با قبول مصارف هنگفت مالی بعضاً از طریق تاجیکستان با ویزای ترانزیت تردد می‌کنند. موقعیت جغرافیایی این لوسوالی‌ها چنان است که در یک‌سوی دریای آمو قرار دارد و در سوی دیگر کوه‌های مرتفع و سر به فلک قرار گرفته است و باشندگان این مناطق سرحدی در واقع در یک تنگنا قرار می‌گیرند. اعمار پل‌ها و گشایش بازارچه‌های سرحدی در امتداد دریای آمو بین باشندگان سرحدی دو کشور گوشه‌ای از مشکلات مردم این نواحی را حل نموده و

در بهبود مناسبات بین مردمان دو کشور تاثیر مثبت به جا گذاشته است. از این نظر، تاجیکستان برای دولت و مردم افغانستان اهمیت درخور توجه دارد. حتی در فصل سرما اكمال دولتی از همین مسیر صورت می‌گیرد و از این رو انعقاد معاهدات و پروتکل‌های همکاری بین ولایات سرحدی دو کشور مهم است.

۹- تاجیکستان علاقه‌مند انتقال گاز شبرغان از طریق لوله‌کشی به تاجیکستان است و طرح موافقت‌نامه‌ای را در این رابطه به افغانستان فرستاده است. در صورت عملی شدن این طرح، تاجیکستان یک بازار پر رونق برای افغانستان خواهد بود.

۱۰- افغانستان و تاجیکستان در زمینه ساختن بند آب و برق دشت جم واقع در ناحیه شورآباد ولایت ختلان تاجیکستان و لوسوالی خواهان ولایت بدخشان افغانستان طرح مشترک دارند و در صورت تحقق این طرح، باشندگان دو سوی دریای آمو از خدمات تامین برق و آبیاری زمین‌های زراعتی مستفید خواهند شد. این دو کشور ظرفیت‌های بالقوه فراوان برای فعال شدن پروژه‌های تولید انرژی دارند.

۱۱- براساس مطالعات انجام شده، ایران در نظر دارد، حسب ایجاب امکانات، آب دریاچه «سریز» واقع در ولایت بدخشان تاجیکستان را توسط سیستم لوله از طریق خاک افغانستان به ایران انتقال دهد و در مقابل خط لوله انتقال گاز و نفت از ایران به تاجیکستان از طریق خاک افغانستان منتقل شود. (دریاچه «سریز» در ارتفاعات ولایت بدخشان تاجیکستان موقعیت دارد و صد سال قبل در اثر زمین‌لرزه شدید و لغزش کوه عظیم در مسیر دریای مرغاب به وجود آمد. آب این دریاچه ۵۶۷ متر ژرفا و ۵۶ کیلومتر درازا دارد و مقدار تجمع آن حدود ۲۰ میلیارد تن تخمین شده است. بعد از چند سال، فشار آب انباشته در این دریاچه افزایش یافت و خطر فروریختن سد تشکیل شده در جلو دریاچه پدید آمد و اگر سد این دریاچه فرو ریزد، حیات هفت میلیون نفر در تاجیکستان، افغانستان، اوزبیکستان و ترکمنستان با خطر جدی مواجه خواهد شد). پروژه لوله‌کشی و انتقال آب این دریاچه به ایالت خراسان ایران در حال حاضر و با توجه به سردی روابط بین تاجیکستان و ایران و هزینه گزاف آن یک طرح بلند پروازانه به نظر می‌رسد؛ چون طول این لوله صدها کیلومتر و هزینه ساخت آن حدود سه میلیارد دلار امریکایی برآورد شده است. از سوی دیگر، تغییرات اقلیمی که سبب خشک‌سالی و کم‌آبی در برخی ولایات ایران از جمله زاهدان و مشهد شده، نه تنها یک چالش عمده فراراه توسعه و پیش‌رفت اقتصاد ملی ایران است؛ بلکه یک نوع تهدید حیات است و ایران ناگزیر است، به خاطر مبارزه با این تهدید به هر قیمتی که شده آب مورد نیاز اهالی، مواشی و مزارع خود را تهیه و سرزمین و مزارع در حال خشک شدن خود را به منابع آبی منطقه، مثل دریا‌های افغانستان و یا جهیل سریز در تاجیکستان وصل کند. تحقق و تطبیق پروژه انتقال آب جهیل سریز تاجیکستان از طریق افغانستان به ایران، بدون تردید به شکوفایی اقتصادی افغانستان می‌افزاید و در بعضی موارد باعث وابسته‌گی کشورهای منطقه به افغانستان می‌شود. قابل تذکر است که چین به ذخایر آبی تاجیکستان، به ویژه جهیل سریز چشم دوخته است و همه ساله به حضور و نفوذ اقتصادی‌اش در تاجیکستان افزوده می‌شود. تاجیکستان با دو کشور ایران و چین مشترکات متفاوت دارد. با ایران فرهنگ و زبان مشترک دارد؛ اما مرز مشترک ندارد، برخلاف با چین فرهنگ و زبان مشترک ندارد؛ اما مرز مشترک دارد.

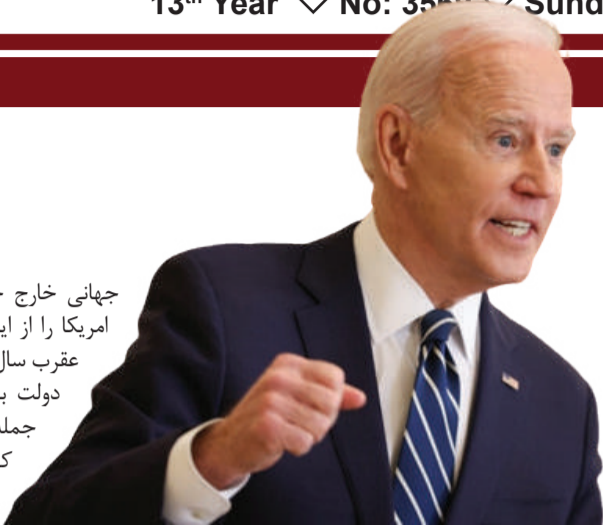
۱۲- تاجیکستان و افغانستان در چندین سازمان منطقه‌ای و بین‌المللی هم‌چون ایکو، ریکا، پروسه استانبول - قلب آسیا، شانگهای، سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی، یونسکو، سازمان بین‌المللی تجارت و... عضویت دارند و همیشه در مجالس و مصوبات این سازمان‌ها موقف مشترک داشته و از منافع ملی یک‌دیگر دفاع کرده‌اند.

۱۳- تاجیکستان در جمع کشورهای همسایه افغانستان، تنها کشوری است که منافع ملی هماهنگ و متوازن با منافع ملی افغانستان دارد.

ادامه دارد...

حساب جاری زنان
عزیزی بانک مسرت دارد که حساب جاری زنان را به شما معرفی می کند که محصولی اختصاصی برای جامعه محترم و شریف زنان افغانستان میباشد. محصول مذکور حساب جاری به پول مروجی افغانی و دالر امریکایی و دارای هزینه تخفیف در کارتهای ماشین های خود پرداز صرافتی و ماستر دیت کارت ها و همچنان خدمات رایگان پیام کوتاه و بدون هزینه نگهداشت حساب میباشد. این حساب با حد اقل 500 افغانی و 50 دالر امریکایی افتتاح میگردد که نازلترین نرخ برای بانکداری بتوان میباشند.

www.azizibank.af 1515



جو بایدن از ریسان جمهور روسیه و چین برای شرکت در نشست تغییرات اقلیمی دعوت کرد

جهانی خارج خواهد شد. دونالد ترامپ با فرمان اجرایی، امریکا را از این معاهده خارج کرد که فرایند آن در ۱۴ عقرب سال گذشته تکمیل و نهایی شده بود. دولت باراک اوباما، رییس جمهور وقت امریکا، از جمله امضاکنندگان این معاهده بین المللی بود که هدف آن تلاش مشترک برای کاهش میزان تولید گازهای گلخانه ای تا سال ۲۰۳۰ اعلام شده است.

همین دلیل رهبران مهم بین المللی که مذاکره با آنها درباره مسایل آب و هوا دشوار است را به این نشست دعوت کرده است. به دنبال تلاش های گسترده امریکا و مذاکرات طولانی، معاهده اقلیمی پاریس در سال ۲۰۱۵ امضا شد؛ اما دونالد ترامپ در جریان مبارزات انتخاباتی خود در سال ۲۰۱۶ وعده داد که در صورت رسیدن به قدرت از این معاهده اقلیمی

دعوت نامه برای ۴۰ تن از رهبران جهان روز جمعه ارسال شده است. این نشست مجازی در روزهای ۲۲ و ۲۳ اپریل (کمتر از یک ماه دیگر) برگزار خواهد شد. میزبانی این اجلاس درباره تغییرات اقلیمی به نوعی تحقق وعده انتخاباتی جو بایدن در این زمینه است. جو بایدن در نخستین روز کاری خود در کاخ سفید، با فرمان اجرایی، دستور بازگشت امریکا به معاهده پاریس را صادر کرد. آسوشیتدپرس می گوید که زمان بندی برگزاری این اجلاس مجازی به گونه ای است که با اعلام برنامه دولت جو بایدن برای کاهش انتشار گازهای گلخانه ای مصادف شود. یک مقام دولت امریکا که خواست نامش فاش نشود، در این زمینه گفته است که دولت جو بایدن نگاهی فراتر از شرکای بین المللی خود برای این اجلاس داشته است و به

رادپو فردا گزارش داده است که جو بایدن، رییس جمهور امریکا، از ولادیمیر پوتین، رییس جمهور روسیه و شی جین پینگ، رییس جمهور چین، برای شرکت در نشست جهانی تغییرات اقلیمی در ماه اپریل دعوت کرده است. یک مقام دولت جو بایدن روز گذشته ضمن اعلام این خبر به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفته است که امریکا امیدوار است به شکل گیری، سرعت بخشیدن و تعمیق تلاش های جهانی برای کاهش سوخت فسیلی مخرب کمک کند. طبق این گزارش، دولت جو بایدن امیدوار است که رویکرد دولت های قبلی امریکا یعنی دولت جورج بوش و باراک اوباما برای هدایت اقتصادهای بزرگ جهان جهت مقابله با تغییرات اقلیمی را ادامه دهد. این در حالی است که دولت دونالد ترامپ، رییس جمهور سابق امریکا، عملاً از فرایند خارج شد.

دولت اوباما در سال ۲۰۱۵ وعده داده بود که انتشار گازهای گلخانه ای امریکا را تا سال ۲۰۲۵ نسبت به سطح سال ۲۰۰۵ بین ۲۶ تا ۲۸ درصد کاهش خواهد داد. دانشمندان معتقدند که تحت تاثیر تولید گازهای گلخانه ای ناشی از فعالیت بشر، دمای زمین به نسبت سال های ۱۸۵۰ تا ۱۹۰۰ (دوران ماقبل صنعتی) حداقل یک درجه افزایش یافته است.

دادستانی هند از ارسال واکسین کرونا به ایران «ممانعت کرد»

واکسین کرونا در شبکه بهداشتی کشور توزیع شده است. به این ترتیب در بهترین حالت تاکنون تنها ۲۵۰ هزار نفر از جمعیت ایران واکسین کرونا دریافت کرده اند. در پی عقب ماندن ایران از برنامه واکسیناسیون کرونا، سازمان غذا و دارو روز چهارم حمل با انتشار فراخوانی، از شرکت های واردکننده دارو دعوت کرد که اگر «قادر» به تامین واکسین کرونا از «منابع مورد تایید این سازمان هستند»، مستندات خود را ارائه کنند. در طول ماه های گذشته انتقادهای گسترده ای درباره مدیریت دولت روحانی در خرید و واردات واکسین خارجی کرونا مطرح شده است و بسیاری از کاربران در شبکه های اجتماعی به عملکرد دولت و همچنین سخنان رهبر جمهوری اسلامی ایران درباره ممنوعیت واردات واکسین کرونای امریکایی و بریتانیایی اعتراض کرده اند.

دادستانی هند صورت گرفته و ارسال واکسین باید براساس مراحل «قانونی» و «دیپلماتیک» انجام شود. آقای شهریاری هم چنین با اشاره به طلب ۷۰۰ میلیون دالر ایران از هندوستان گفته بود که تسویه این طلب ها به دلیل تحریم ها با مشکلاتی همراه است. پیش تر اعلام شده بود که ایران قرار است ۵۰۰ هزار دوز واکسین «کوواکسین» از هند وارد کند. اولین محموله این واکسین شامل ۱۲۵ هزار دوز روز ۲۱ ماه حوت ۱۳۹۹ وارد ایران شد و قرار بود به فاصله چند روز ۳۷۵ هزار دوز باقی مانده وارد ایران شود. با وجود وعده معاون وزیر بهداشت ایران مبنی بر واکسیناسیون ۱۳ میلیون نفر تا پایان سال ۱۳۹۹، کبانوش جهان پور، مدیر روابط عمومی وزارت بهداشت، دوم فروردین ماه اعلام کرد که تاکنون فقط ۷۰۰ هزار دوز

دادستانی هند گزارش داده است که سخنگوی ستاد ملی مقابله با کرونا در ایران دلیل انصراف هند از فروش واکسین کرونا به ایران را نیاز به واکسین به دلیل افزایش شیوع بیماری در این کشور عنوان کرد. علی رضا ریسی روز شنبه، هفتم حمل، با اشاره به این که همه مراحل خرید واکسین از هند انجام شده بود، درباره خودداری این کشور در «آخرین لحظه» برای ارسال واکسین به ایران، به خبرگزاری فارس گفت که مقام های هندی با توجه به شیوع گسترده بیماری در کشورشان اعلام کردند که اولویت تزریق واکسین با مردم خودشان است. پیش تر حسین علی شهریاری، رییس کمیسیون بهداشت مجلس، نیز روز جمعه در گفت و گو با باشگاه خبرنگاران جوان ضمن تایید خبر ممنوعیت ارسال واکسین کرونای خریداری شده از هند، گفته بود که این اقدام با دستور

ارتش امریکا: حاضریم برای بیرون کشیدن کشتی گیرافتاده در کانال سوئز کمک کنیم

این کشتی که روز چهارشنبه (۲۴ مارچ) براه توفان شن از مسیر خود خارج شد، آبراهه میان دریای سرخ و دریای مدیترانه را کاملاً مسدود کرده است. دولت مصر روز جمعه (۲۶ مارچ) ابراز امیدواری کرد که کشتی به زودی تکان بخورد و راه کانال بار دیگر باز شود. کارشناسان اما عقیده دارند، چنانچه تخلیه بار برای سبک کردن کشتی ضروری باشد، این عملیات چند هفته طول خواهد کشید. هم اکنون بیش از ۲۰۰ کشتی باری برای عبور از کانال صف بسته و ترافیکی بی سابقه پدید آورده اند. حدود ۱۲ درصد تجارت دریایی دنیا از طریق کانال ۱۹۳ کیلومتری سوئز انجام می شود.

مصری رسیده است. به گفته بیل اوربان، سخنگوی ستاد مرکزی ارتش ایالات متحده، چنانچه مصر موافقت کند، کارشناسان دریایی امریکا حاضرند بی درنگ وارد عملیات نجات کشتی شوند. یک نماینده وزارت دفاع امریکا گفته است چنانچه مصر تقاضا کند، کارشناسان دریایی امریکا می توانند از پایگاه نظامی بحرین مستقیماً به طرف کانال سوئز راه بیفتند. به کمک جرثقیل ها و دستگاه های حفاری و لای رویی، مقدار زیادی از گل و لای کناره کانال برداشته شده، اما کشتی همچنان محکم در بستر کانال فرو رفته است. کشتی عظیم ۴۰۰ متری «اور گیون» با ۲۲۰ هزار تن بار همچنان در میان دیواره کانال قرار گرفته است.

دوپچه وله فارسی گزارش داده است که ارتش امریکا برای کمک به بیرون کشیدن کشتی عظیم باری از کانال سوئز، اعلام آماده گی کرده است. کشتی هم چنان در کانال بی حرکت مانده و هر عملیاتی تاکنون برای بیرون کشیدن آن و باز کردن راه کانال ناموفق بوده است. کشتی «اور گیون» هم چنان از پهنا در کانال سوئز متوقف شده و راه رفت و آمد را کاملاً بسته است. عملیات بیرون کشیدن کشتی تاکنون ناموفق بوده است. در این میان ارتش ایالات متحده برای کمک به بیرون کشیدن کشتی عظیم باربری اعلام آماده گی کرده است. جن ساکی، سخنگوی کاخ سفید، گفته است که اعلام آمادگی نیروی دریایی ایالات متحده به اطلاع مقام های

فرمانده حکومت نظامی میانمار در روز ارتش بر «ادامه دموکراسی» تاکید کرد

فرمانده کودتای نظامی میانمار در جریان رژه نیروهای مسلح در «روز ارتش» با تاکید بر «ادامه جریان دموکراسی» در این کشور، بار دیگر سرنگونی حکومت انگ سان سوچی را توجیه کرد.

به گزارش یورونیوز فارسی، جنرال مین آنگ هلاپنگ، فرمانده کودتای دوم فیروزی، روز شنبه در حومه نایپیداو، پایتخت و در برابر هزاران تن از نیروهای مسلح این کشور به معترضان هشدار داد که به برگزاری تظاهرات پایان دهند. این هشدار در حالی اعلام می شود که به گفته یک گروه حمایت از زندانیان سیاسی در میانمار، از زمان کودتای دو ماه پیش در این کشور تاکنون ۳۲۰ نفر کشته شده اند.

معترضان روز شنبه و با وجود تهدید حکومت، در چند شهر میانمار تظاهرات برگزار کردند. براساس گزارش ها در همین روز دست کم ۱۶ نفر در جریان رویارویی با پولیس و نیروهای امنیتی جان خود را از دست دادند.

مراسم رژه ارتش میانمار با حضور نماینده روسیه برگزار شد. فرمانده کودتاگران از پشتی بانی مسکو از میانمار تشکر کرد.

فرماندهان ارتش میانمار انگ سان سوچی و حزب وی را به تخلف گسترده در جریان انتخابات ماه نوامبر سال ۲۰۲۰ متهم می کنند. حکومت نظامی وعده برگزاری دوباره انتخابات را داده است.

با وجود محکومیت های جهانی و تحریم های اتحادیه اروپا، بریتانیا و ایالات متحده امریکا، نظامیان میانمار تمایلی به کناره گیری فوری از قدرت و واگذاری حکومت به غیرنظامیان نشان نمی دهند.

Maiwandbank



میوند بانک

تاریخ انقضاء 1400/01/26

اعلان داوطلبی

تاریخ نشر اعلان 1400/01/09

میوند بانک جایداد خویش را که مندرج قباله شرعی نمبر (۵۳۱۵ بر ۴۳۳) مورخ ۱۳۹۵/۰۸/۲۹ به مساحت (۵۶۰۰) مترمربع واقع

پارکهای صنعتی کابل به فروش میرساند

بناً اشخاص و افرادی که خواهان خریداری جایدادهای متذکره از طریق داوطلبی و مزایده باشند میتوانند در خواستی های خویش را از تاریخ

نشر اعلان الی تاریخ انقضاء اعلان به دفتر مرکزی میوند بانک واقع طره بازخان شهرنو کابل و یا به نمایندگی های آن در ولایات سپاریده

شرطنامه را ملاحظه و تضمین نقداً اخذ می گردد

0093 703 0000 21